

بخش سوم

۶ سال گفت و گو برای صلح؛ قبل از این که اشرف غنی به ارگ برود توافق صلح نهایی شده بود

دلیل توجه‌تان به مصالحه و این که بخواهید دست از مبارزه‌ی مسلحانه بردارید، چه بود؟

در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ما به این نتیجه رسیدیم که روابط معادله‌ی قضیه‌ی افغانستان بین کشورهای مهاجم و ملت افغانستان یک معادله‌ی بازنده-بازنده است و آخرش بی‌نتیجه است ولی با تباهی بسیار بزرگ. پنج شعار بزرگی را که جانب مقابل داده بود و آقای تونی بلر و بوش و دیگر مسئولین کشورهای مهاجم در هر صحبت‌شان تکرار می‌کردند عبارت بودند از مبارزه بر ضد تروریسم، مبارزه بر ضد مواد مخدر، به‌سازی حکومت یا Good Governance، دموکراسی و بازسازی افغانستان. در ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ برای ما تثبیت شد که در هر پنج شعار و ادعا جانب مقابل نه تنها شکست خورده است بلکه در افغانستان بعد از تهاجم نیروهای خارجی تروریسم به معنای واقعی کلمه تولید شد....

صفحه ۴



گفتگو با امین کریم،
رییس هیأت مذاکره‌کننده‌ی
حزب اسلامی افغانستان



۱۱۹۵

دوشنبه

۸ قوس ۱۳۹۵

سال پنجم

1195

MONDAY

28 NOVEMBER 2016

YEAR 05



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز می‌توانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک
Azizi Bank



تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- 1 مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

سریعترین اینترنت 3G - بهترین قیمت



1GB

در بدل 250

مدت اعتبار: 30 روز

برای اشتراک:

1GB را به 151 ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

HD VOICE



@myawcc

www.afghan-wireless.com

152

دوشنبه	
۸ قوس	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۹۵	
آواگان	

یادداشت روز

آوارگان فراموش می‌شوند

در روزهای گذشته، حوادث زیادی اتفاق افتاد که توانست صفحات فس‌بوک مقامات ارشد حکومتی را به‌روز نگهدارد. در این میان خبر افتتاح بندر آقینه از همه خوش‌تر بود؛ اما په استثنای این مورد، در باقی موارد، سران حکومت وحدت ملی غالباً با حضور در برنامه‌ها و محافل فرهنگی، حقوق‌بشری و سیاسی، از باید‌ها سخن گفتند و در مقام کارشناسان افغانستان، ضعف‌های آن را به ناهماهنگ‌ترین شکل ممکن بیان کردند و در پایان همه چیز، از جمله چه‌گونگی تحقق «بایدها» را مستلزم تعهداتی دانستند که یا به کشورهای حامی افغانستان رجعت پیدا می‌کند یا به همکاری مردم. در این‌میان اما هزاران آواره‌ی داخلی روزهای سخت و دشواری را در برابر دیدگان سرد و کرخت حکومت می‌گذرانند.

بر مبنای آمار سازمان ملل متحد، شمار آوارگان داخلی تا مرز ۴۰۰هزار نفر می‌رسد. اکثریت قریب‌به‌اتفاق آن‌ها از مناطق جنگی یا تحت فشار طالبان و گروه‌های تروریستی دیگر فرار کرده‌اند. هلمند، کندز، بغلان، بادغیس، بدخشان و مناطقی دیگر، بیشترین سهم را در اندازه‌ی بیجاشدگان داخلی دارند.

بسیاری از کسانی که آواره شده‌اند، به معنای واقعی کلمه بی‌سرپناهند. چند روز پیش، عکسی در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که نشان می‌داد زنی آواره در شهر مزار شریف، در کنار خیابانی با فرزندانش زیر بارش نسبتاً شدید برف با فلاکت و نکبت که شاخص اصلی زندگی افغانی شده است، شب و روز می‌گذرانند. هجوم آوارگان کندز به تخار عملاً مشکل‌ساز شده است. از جهتی این طبیعی است؛ چه این‌که مردم محل توانایی تحمل و حمایت از آوارگان را در حالی که خود در تنگنای اقتصادی و بیکاری و فقر گرفتارند، ندارند. صدها خانواده در کابل در سرمای شدیدی که این شهر را در بر می‌گیرد، نفس می‌کشند. کمک‌های مالی دولت پس از جان‌باختن شهروندان به آن‌ها می‌رسد.

۴۰۰هزار شهروند بی‌خانه، به معنای ۴۰۰هزار گرسنه و ۴۰۰هزار انسان در معرض مرگ و سرمازدگی است. به نظر می‌رسد، در هر کشوری فوریت اصلی رسیدگی خطرهایی است که امکان بدل شدن به فاجعه را دارند. فقر و بی‌خانمانی این اندازه از مهاجر داخلی در سرمای جانسوز زمستان که از راه می‌رسد، خطری است که در سایه‌ی بی‌توجهی دولت می‌تواند منجر به یک فاجعه‌ی انسانی شود.

در برابر این وضعیت، واکنش حکومت به‌شکل هولناکی نامیدکننده است. نه برنامه‌یی برای حمایت فوری از آوارگان وجود دارد و نه در عمل کاری برای آن‌ها انجام شده است. این به معنای انکار از حمایت‌های اندک و مقطعی از آوارگان داخلی نیست؛ بلکه به این معناست که حمایت اندک در غیبت یک برنامه‌ی مدون و قابل اجرا و مسئولیت‌شناسی در برابر جان شهروندان، نه کافی است و نه می‌تواند جلو خطر را بگیرد. بعید به نظر می‌رسد که حکومت این خطر را جدی بگیرد. حکومتی که مسئولانش از «بایدهایی» که نمی‌شود سخن می‌گویند و در این سال‌ها یادگرفته‌اند که چه‌گونه در برابر شرمیدن و احساس گناه کردن مقاومت کنند و کماکان به وعده دادن و ساختن آینده‌ی موهوم اما خوب شهروندان را نوید بدهند. اگر غیر از این می‌بود، قطعاً تغییری در کار حکومت رونما می‌شد.

اگر کارکرد حکومت را مبنای داوری قرار دهیم و از گفتار آن‌ها درگذریم، به راحتی می‌بینیم که حکومت به کرات ناتوانی و سهل‌انگاری‌اش را اثبات کرده و گفته است که اولویت فوری حکومت رسیدگی به داد شهروندان نیست. کمترین مصادق این ادعا، ناتوانی حکومت در مصرف بودجه است؛ آن‌هم در کشوری که در فقر و فلاکت به‌سر می‌برد و هر وجب این خاک نیازمند هزینه و کار و بازسازی و توسعه است. پول بی‌حساب‌و‌کتاب از همان راهی که می‌آید، باز می‌گردد و کسی نیز خیال آن را ندارد که بپرسد، چرا «نباید» بودجه مصرف شود. اگر صداقت لازم در برابر شهروندان وجود می‌داشت، ظرفیت و توانایی مسئولان نهادهای دولتی از راه گزینش افراد شایسته و کارفهم افزایش داده می‌شد تا دست‌کم پولی که آمده بود، برای بهتر شدن وضعیت زندگی مردم به مصرف می‌رسید. مسئولان نهادهای دولتی تمام‌همت‌شان را به کار بسته‌اند تا به چور و چپاول‌شان ادامه بدهند. مسئولان نهادهای امنیتی حداکثر کاری که می‌توانند بکنند، بستن سرک‌ها و کوجه‌هاست تا جان‌شان از گزند انتحاری در امان باشد؛ سرک و کوجه‌یی که ملکیت عامه است و تردد از آن حق شهروندان. تنها کاری که در توان حکومت است، گرفتن عکس یادگاری است و «نشان دادن» این که آن‌ها در حال کار کردن هستند.

در چنین وضعیتی، انتظار این که حکومت فکری به حال آوارگان کنند و تمهیداتی برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر به آن‌ها بسنجند، واهی و ساده‌لوحانه است. مقامات حکومتی، حداکثر در صورت اتفاق افتادن یک فاجعه‌ی انسانی، در کنار بازماندگان قربانیان خواهند ایستاد و عکس یادگاری خواهند گرفت تا دوباره نشان دهند که در برابر مردم احساس مسئولیت می‌کنند.

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری روز گذشته از سفر رییس‌جمهور غنی به شهر ترکمن‌آباد ترکمنستان خبر داد و گفت قرار است فردا (دوشنبه)، خط‌آهن «بین‌المللی آسیا آتامراد امام‌نظر ترکمنستان و آقینه‌ی افغانستان» با حضور رییس‌جمهور غنی و رییس‌جمهور ترکمنستان افتتاح شود. آقای غنی که روز جمعه برای اشتراک در «کنفرانس جهانی ترانسپورت پایدار» به عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان رفته بود، عصر روز یک‌شنبه به شهر ترکمن‌آباد رفته است.

راه‌آهن ترکمنستان– افغانستان از منطقه‌ی «آته مراد» ترکمنستان تا بندر آقینه در افغانستان ادامه دارد و در مرحله‌ی اول ۳٫۵ کیلومتر در خاک افغانستان امتداد می‌یابد. ترکمنستان مسئولیت اعمار این راه‌آهن را به عهده

اطلاعات روز: روز گذشته (یک‌شنبه، هفتم قوس) در نخستین روز کاری اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی رییس و اعضای اداری کمیسیون مستقل انتخابات برگزاریده شدند.

نجیب‌الله احمدزی به‌عنوان رییس، و سیمه بادغیسی به‌حیث معاون عملیاتی، عبدالقادر قریشی به‌حیث معاون اداری و گلاجان عبدالبدیع صیاد، به‌حیث دبیر و سخن‌گوی کمیسیون مستقل انتخابات برگزیده شدند.

نجیب‌الله احمدزی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات ۴۰ سال سن و در رشته‌ی مدیریت تجارتنی مدرک ماستری دارد و از قوم پشتون است. آقای احمدزی پیش از این به‌عنوان مشاور در سازمان بین‌المللی مهاجرت و چندین نهاد خصوصی کار کرده‌است.

سرور دانش، معاون دوم رییس‌جمهور اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی را طی دو محفل جداگانه معرفی کرد. آقای دانش از کمیسیون‌های انتخاباتی خواست که

اطلاعات روز: مجلس سنا در نشست روز یک‌شنبه (هفتم قوس) خود طرح بودجه‌ی ملی سال مالی ۱۳۹۶ را با اکثریت آرا تایید کرد.

سناتوران بیش از ۳۰ مورد نظریات مشورتی‌شان را جهت گنجاندن در طرح بودجه ارائه کردند. شماری از نمایندگان نیز از غیرمتوازن بودن سند بودجه انتقاد کردند.

محمد علم ایزدیار، یک عضو سنا گفت هیچ قرینه‌یی وجود ندارد که نشان دهد نظرات مشورتی سناتوران در سند بودجه گنجانده شود. آقای ایزدیار افزود برای برخی

خط آهن «آته مراد– آقینه» امروز افتتاح می‌شود

می‌رسید و از مسیر بندر آقینه کالاهای تجاری در مدت ۵ روز خواهد رسید.

معاون سخن‌گوی رییس‌جمهور همچنان گفت که این مسیر قیمت کالاهای تجاری را نیز کاهش می‌دهد. او گفت این مسیر شامل راه لاجورد نیز می‌شود.

افغانستان در میان کشورهای منطقه دارای کمترین خط‌آهن است و در اوایل ماه عقرب سال جاری مقامات وزارت فواید عامه‌ی کشور گفته بودند که این وزارت برنامه‌های وسیعی در زمینه‌ی توسعه‌ی خط‌آهن افغانستان روی دست دارد تا بتواند زمینه‌ی مناسب‌تری را برای انتقال، ترانزیت کالا و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌یی فراهم نماید.

رییس و اعضای اداری کمیسیون مستقل انتخابات بر گزیده شدند

آقای دانش در این مراسم گفت: «نظارت و رسیدگی به شکایات و اعتراضات، مهم‌تر از برگزاری انتخابات است. می‌توانم بگویم که جایگاه کمیسیون شکایات انتخاباتی به مراتب مهم‌تر و تأثیر گذارتر از کمیسیون مستقل انتخابات است.»

انتظارها بر این است که اعضای جدید کمیسیون‌ها انتخاباتی، سال آینده انتخابات پارلمانی و شوره‌های ولسوالی‌ها را برگزار و مدیریت کنند. از بهر اصلاح نظام انتخاباتی و تعیین کمیشنران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، انتخابات پارلمانی که قرار بود در ماه سرطان سال ۱۳۹۴ برگزار شود، برگزار نشد.

پس از آن‌که انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۳ با تقلب‌های گسترده برگزار شد و شماری از کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی به دست‌کاری انتخابات متهم شدند، نهادهای انتخاباتی اعتبار خود را در نزد مردم از دست دادند و جنجال‌های زیادی در کشور خلق شد.

مجلس سنا طرح بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۶ را تایید کرد

میلیارد افغانی دیگر بودجه‌ی توسعه‌یی است. وزارت مالیه می‌گوید که بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۶ با در نظرداشت قوانین نافذه‌ی کشور، امکانات، پروژه‌های بزرگ ملی، مؤثریت و مثرمیت، رشد اقتصادی پایدار و متوازن، ایجاد شغل، ظرفیت مصرف واحدهای بودجه‌یی و توجه بیشتر به ولایت کمتر توسعه‌یافته ترتیب شده است.

قرار است وزیر مالیه سند بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۶ را در جریان هفته‌ی جاری رسماً به مجلس نمایندگان پیشکش کند.

حفیظ منصور: شماری از ملاها و افراطی‌ها خود را ماشین کافر سازی ساخته‌اند

کفرگویی کردند. او با اشاره به این اتهام‌ها و این‌که معلوم نیست این افراد براساس کدام اصول دین چنین حکمی صادر می‌کنند، گفت «در اولین فرصت… ناشنیده و درک نکرده در فیسبوک خود نوشته می‌کند که فلائی کافر و فلائی فاسق□ روزانه چند نفر را به اسلام دعوت می‌کنی که صد نفر را کافر می‌سازی، ماشین کافر سازی از خود جور کردی.»

وی با انتقاد از کسانی که او را متهم به کفرگویی کرده بودند، گفت: «در اختلاف دیدگاه‌ها نباید به همدیگر تهمت بسته و دروغ ببندیم بلکه اختلافات را براساس منطق و عقلانیت حل نماییم.»

به گفته‌ی منصور، تروریستانی که دیروز در پاکستان تربیت شده و به افغانستان صادر شده‌اند، امروز در بسیاری از مساجد با استفاده از امکانات دولت افغانستان اذهان مردم را مخدوش می‌سازند.

هرچند شماری آقای منصور را بیشتر در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک به کفرگویی متهم کردند، اما اظهارات آقای منصور بیشتر مورد استقبال قرار گرفت و شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی به حمایت از آقای منصور بر بازنگری محتوای مضمون ثقافت اسلامی تأکید کردند.

دارد و قرار است در آینده این خط‌آهن به‌طول ۳۵ کیلومتر تا شهر اندخوی در ولایت فاریاب امتداد پیدا کند. بانک

انکشاف آسیایی تمویل‌کننده‌ی این پروژه خواهد بود.

شاه‌حسین مرتضوی، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری که به بندر آقینه رفته است، به روزنامه‌ی اطلاعات روز گفت این خط‌آهن افغانستان را با کشورهای همسایه، منطقه و اروپا وصل نموده و سهولت‌های زیادی را در صادرات کالاهای بازرگانی نیز ایجاد می‌کند.

این خط‌آهن افغانستان را از طریق ترکمنستان به آذربایجان، گرجستان، دریای سیاه و آب‌های آزاد وصل می‌کند.

آقای مرتضوی گفت قبلاً کالاهای تجاری از چین به پاکستان و از آن‌جا به افغانستان در مدت حدود ۳ ماه

بی‌طرفی، عادلانه‌بودن و شفاف‌بودن را، به‌گونه‌ی جدی در نظر بگیرند.

دانش گفت کمیسیون‌های انتخاباتی سر از امروز وظیفه‌ی پاسخ‌گویی در قبال سرنوشت مردم و یک مسئولیت مهم و بی‌مانند ملی را بر دوش گرفته و برای برگزاری انتخابات تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

او شفافیت و کسب اعتماد مردم را از موارد اصلی در رعایت اصول و اساسات انتخابات عنوان کرده و افزود: «شفافیت در صورتی تأمین می‌شود که دستگاه اجرایی و مدیریت آن یک دستگاه مطمئن، با اعتماد، مسئولیت‌شناس، صادق، با ایمان و وفادار به منافع ملی و مصالح مردم باشد.» به گفته‌ی آقای دانش، برای تأمین شفافیت، علنی بودن همه‌ی فعالیت‌ها، تصمیمات و فیصله‌های کمیسیون لازم و ضروری است.

همچنان اعضای تازه‌ی کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی نیز در یک مراسم دیگر معرفی شدند.

تروریست فکری

آقای منصور در بخشی از صحبت‌های خود گفت تروریست انواع مختلف دارد و یکی از آن تروریست فکری است. او گفت وقتی کسی در منبر، در مقدس‌ترین مکان اسلامی، هرکسی که خلافتش فکر می‌کند را می‌گوید کافر است، تروریست فکری است.

آقای منصور گفت: «وقتی در مضمون ثقافت اسلامی می‌رود درس می‌دهد در آن‌جا، درس‌هایی که زنان حق ندارند کار بکنند و دانشگاه بخوانند، غیر تروریست فکر دیگر چیست؟»

این عضو مجلس نمایندگان گفت وقتی زیر نام ثقافت اسلامی استادی اسامه بن‌لادن را شهید می‌گویند، غیر از این که من این استاد را تروریست فکری بگویم دیگر چه بگویم.

ظاهراً اشاره‌ی آقای منصور به صحبت‌های عبدالظاهر داعی، یکی از استادان دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه کابل است که در سخنانی گفته بود هرکسی به دست امریکا کشته شود، شهید است. او گفته بود: «اسامه بن‌لادن رحمته‌الله علیه مجاهد بود و شهید است.»

پس از اظهارات آقای منصور شماری او را متهم به

آقای صدیقی گفته است: «از تمام دسیسه‌ها و برنامه‌های خصمانه‌یی که هنوزهم در عقب این مسأله است ما نگران استیم و می‌کوشیم که از نفوذ افراد گروه طالبان در میان اینان جلوگیری کنیم.»

این مسأله نگرانی‌هایی را در کشور به‌جود آورده است.

عبدالودود پیمان، عضو مجلس نمایندگان گفته است زمانی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ فامیل در هر ولسوالی جابه‌جا می‌شوند «اینان مردمان شعوری استند و مردم را سوی خود می‌کشاند و سپس جنگیدن در برابر شان دشوار خواهد

در میان عودت‌کنندگان از پاکستان طالبان نیز به افغانستان انتقال داده می‌شوند

بود.»

در سال جاری پس از فشارهای پاکستان بر مهاجران افغان در این کشور، روزانه بین پنج تا شش هزار مهاجر افغان از پاکستان بازگشت داده می‌شدند. براساس آمارها، در سال جاری ۶۱۰ هزار مهاجر افغان از پاکستان به کشور برگشته‌اند. بیشتر مهاجران به‌صورت اجباری از پاکستان اخراج می‌شدند.

در حال حاضر روند برگشت مهاجران به‌دلیل سردی هوا متوقف شده است.

خبرنگار ناراضه

هادی دریابی

اعتراض به «تورا غرض نیست»

چند روز پیش، یکی از وکلای پارلمان که عبارت باشد از حفیظ منصور گفت که دیگر جاها را بگذارید روی چشم من، حتا در دانشگاه‌های کشور به نام ثقافت اسلامی هم تروریست تربیه می‌شود. این سخن او هم بازتاب گسترده داشت، هم واکنش‌های گسترده. حتا باعث شد من با یکی از طرفداران ثقافت گفت‌وگو کنم و از او بپرسم که ثقافت اسلامی چه ربطی به فاکولته‌هایی مثل اقتصاد، انجینری، طب، و ترنری، کمپیوترساینس و غیره دارد؟ و نیز بگویم که ثقافت اسلامی نوعی از زورگویی‌هایی است که در عصر حاضر در کشورهای اسلامی رواج بسیار دارد. (ببخشید اگر دانشکده می‌گفتم، مرا فحش ناموسی می‌داد. برای همین فاکولته گفتم که احساس نکنند من مزدور ایران هستم). اما او گفت که تو خس کدام برزنی که بخوای نظر داشته باشی؟! راست گفت، ناراحت نشدم. من دریافتم که من یکی از میلیون‌ها افغانی هستم که خلق می‌شوند تا نظری نداشته باشند و صرفاً باید بشنوند، قبول کنند، حرکت کنند، به چاه بیافتند و رحم‌الله من بقرآلفاتحه مع‌الاحلاص و الصلوات! به هر صورت، داشتیم روی واکنش‌ها به سخنان آن وکیل کار می‌کردیم. اولین واکنش در تالار پارلمان به سخنان او صورت گرفت. به قول یکی از وکلای محافظه‌کار که می‌گوید به پارلمان رفته تا صرفاً کیسه پُر کند و کاری به خوب و بد بودن ثقافت مفاقت ندارد، خوب شد آن لحظه تعدادی از وکلا با خود نارنجک و تفنگ نداشتند، ورنه آقای منصور تا حالا به آقای مقبور (آقای مقبور به وکیلی در گورشتافته گفته می‌شود) تبدیل شده بود.

بعدش تعدادی از جوانان غیور در مدینه‌ی فاضله‌ی خویش یعنی فیس‌بوک، آمدند و در وصف جرأت و شهامت آقای منصور نوشتند و گفتند درود بر نواندیشی که پوز خفاشان را به خاک مالیدند! سلام بر منصور که از دار نترسید و داعیه‌ی انالاحق را بلند گفت و خواب شیادان دین را آشفته کرد! (نمی‌دانم چرا هرجا که قرار است از کسی حمایت کنیم یا بخواهیم او را برحق ثابت کنیم، حتماً باید طرف مقابل را خفاش، سگ، خرس، مزدور، احمق، کور، کتیف، گوساله و از این قبیل چیزها بگوییم؟ من واقعا نمی‌دانم، اما معمول شده).

واکنش‌ها در مخالفت به سخنان آقای منصور بیشتر بود. تعدادی از هواداران جان‌برکف و مابین در مغز از همان اول روی آقای منصور خط کشیدند و گفتند که کشتنش روا، پاره‌پاره کردنش ثواب، قطعه‌قطعه کردنش برابر باشد با هفتاد هزار یهودی را کشتن و در نهایت اعلام آمادگی کردند که او را بکشند تا عبرت برای بقیه شود. تعداد دیگری از هواداران ثقافت اسلامی، آقای منصور را به سبک ملایم تکفیر کردند. (سبک ملایم تکفیر آن است که یک یا چند نفر، یک دفعه به این نتیجه می‌رسند که فلانی کافر شده. خودشان کاری به او ندارند اما از بقیه مردم می‌خواهند که او را بکشند و اجازه ندهند که جامعه فاسد شود. مثل قضیه‌ی فرخنده که خود آن مولوی حتا یک سیلی هم به فرخنده نزد، اما از بقیه خواست که او را با سنگ و چوب کشته، زیر موتر کنند، سپس در محضر پولیس و حکومت، جنازه‌اش را به آتش بکشند).

در همین حال، جمع دیگری واکنش متفاوت تری نشان دادند. این جمع هرچند تا هنوز موتور کافر سازی خویش را روشن نکرده، اما سخن‌گوی این جمع به رسانه‌ها گفت که ببینید! یک آدم، صرفاً یک آدم می‌آید و می‌گوید که ثقافت اسلامی در پوهنتون‌ها تروریست تربیه می‌کند، گویا یک کشف مهم کرده. اما ما می‌گوییم ثقافت اسلامی تنها یک مضمون است، در فاکولته‌ها به ده‌ها مضمون تدریس می‌شود. غیر از ثقافت اسلامی، باقی مضامین فرزندان این وطن را «تورا غرض نیست» تربیه می‌کند، از برای خدا گپ ما را کی بشنود؟! اگر به دخترها بگوییم که چرا پتلون می‌پوشی؟ چرا چادرت نازک است؟ چرا دامنت کوتاه است؟ می‌گویند تو را غرض نیست. اگر به بچه‌ها بگوییم چرا کالای قل‌بریده می‌پوشی؟ چرا پتلون تنگ می‌پوشی؟ مگر در صف جماعت کسی که در صف پیش‌رویت ایستاده و پتلون تنگ پوشیده، موقع رکوع آیا فکرت را خراب نمی‌کند؟ می‌گویند تو را غرض نیست. اگر قرار باشد مضامین اصلاح شود، اول باید بقیه‌ی مضامین اصلاح شود که کل ملت را «تورا غرض نیست» تربیه کرده، بعد بیاید ثقافت را اصلاح کنید که تروریست تربیه نکنند. سخن‌گوی این جماعت سخنانش را با قرائت بیت زیر به پایان رساند:

صبر حد دارد، اگر لبریز شود
هر مسلمان قاتل و خونریز شود

هزاره‌های افغانستان

در برابر جنگ فرقه‌ی داعش مقاومت می‌کنند

■ HSC/روح‌الله یعقوبی

■ ترجمه: حمید مهدوی



جنگ جاری در شرق‌میانه و سربازگیری ایران از اجتماعات آسیب‌پذیر مهاجران برای جنگ به نمایندگی از این کشور در سوریه شرایط امنیتی برای هزاره‌ها را بدتر ساخته است. هویت متمایز قومی و فرهنگی هزاره‌ها و تجربه‌ی قرن‌ها تعقیب و پیگرد، از آن‌ها در برابر فرقه‌گرایی افراطی که توسط ایران تشویق می‌شود محافظت کرده است. هزاره‌ها، برخلاف شیعه‌ها در لبنان و عراق و حوثی‌ها در یمن، جایی برای رشد و شگوفایی افراط‌گرایی شیعی نگذاشته‌اند. در دهه‌ی ۱۹۹۰، عبدالعلی مزاری، رهبر کاریزماتیک و پرچم‌بهره‌ی هزاره، از روی دست گرفتن یک برنامه‌ی کاری فرقه‌ی در سیاست افغانستان خودداری کرد و در نتیجه، خودداری او ایران را تشویق کرد تا از رقیبان او در درون و بیرون از جامعه‌ی [هزاره] حمایت کند و پس از مرگ او به‌دست طالبان در سال ۱۹۹۵، راهروان او نیز راه او را رفتند. از این‌رو، هزاره‌ها حسن نصرالله و مقتدی الصدر خودشان را تولید نکرده‌اند.

برای بیش از یک دهه، هزاره‌ها در کوئته‌ی پاکستان، هدف خشونت‌های فرقه‌ی بی‌رحمانه‌ی لشکر جنگوی، گروه ستیزه‌جوی اسلامی، بوده‌اند. اما این اجتماع تحت محاصره [هزاره‌های کوئته] هرگز پاسخ بالمثل نداده است. در عوض، آن‌ها عدالت‌خواهی‌شان را از طریق روش‌های صلح‌آمیز ادامه داده‌اند. دوباره، باوجود کار گسترده‌ی ایران از طریق قنصلگری آن و خانه‌ی فرهنگی ایران که خودم دسته‌ی اول آن را مشاهده کردم، هزاره‌های کوئته، با هویت قومی قوی، در زمینه‌ی افراط‌گرایی شیعی انعطاف‌پذیری نشان داده‌اند. دنبال کردن عدالت با استفاده از روش‌های صلح‌آمیز تا حد زیادی به یک اصل پرورده شده برای این اجتماع تبدیل شده است.

گروه‌های وابسته به داعش، با از دست دادن ساحه‌ی تحت نفوذشان در عراق و سوریه، به‌دنبال سازمان‌دهی حملات مرگبارتر خواهند بود. اما ولایت خراسان در تلاشش برای جنگ فرقه‌ی در افغانستان ناکام خواهد ماند و با شکست این گروه در شرق‌میانه، فرماندهان ولایت خراسان به وفاداری‌های سابقه‌شان باز خواهند گشت. افغانستان در زمینه‌ی فرقه‌گرایی انعطاف‌پذیر باقی خواهد ماند. اما با فساد گسترده و حکومت‌داری ناموثر، آینده‌ی ثبات در افغانستان مشخص نیست.

از طرف امیر، با اعلام جهاد علیه هزاره‌های «بی‌خدا» پاسخ دادند. در اواخر قرن بیستم، تعدادی از رهبران طالبان نیز از توجیهات فرقه‌ی برای کشتار دسته‌جمعی هزاره‌ها استفاده کردند. اما هم جنگ امیر و هم جنگ طالبان علیه هزاره‌ها در ماهیت قومی بودند. دومی، از احساسات فرقه‌ی برای سربازگیری نیز استفاده کرد. در هر دو مورد، از احساسات فرقه‌ی برای خدمت به جنگ تفوق و برتری قومی استفاده شد و جنگ داخلی جناحی در دهه‌ی ۱۹۹۰ هرگز به جنگ فرقه‌ی تبدیل نشد.

باوجود چندین دهه جنگ داخلی و فشار و ترغیب مذهبی-ایدئولوژیکی خارجی، تعصب فرقه‌ی در بافت چندقومی جامعه‌ی افغانستان نفوذ نکرده است و هویت‌های قومی انعطاف‌پذیر باقی مانده است. هویت‌های قومی و قبیله‌ی وفاداری‌های فرقه‌ی در حاشیه نگه‌داشته است.

حملات فرقه‌ی توانسته است هزاره‌ها را به طرف فرقه‌گرایی بکشاند. اما این حملات بیگانگی و بی‌زاری این اجتماع از حکومت افغانستان را عمیق‌تر ساخته است. هر حمله‌ی محکوم نمودن قوی و وعده‌ی انتقام را به دنبال دارد، اما به‌دنبال آن هیچ اتفاقی نمی‌افتد. برای بسیاری‌ها، بی‌تفاوتی ظاهری حکومت افغانستان بخشی از تعصب سیستماتیک و نهادینه‌شده علیه هزاره‌ها است. هزاره‌ها، با وجودی که یک-سوم جمعیت کابل و تقریباً یک-چهارم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در نهادهای امنیتی-پولیس پایتخت از هیچ مقامی برخوردار نیستند.

عربستان سعودی با رهبران سیاسی و مذهبی سنی‌مذهب افغانستان روابط نزدیک دارد - حکومت افغانستان رسماً از سعودی‌ها در جنگ‌شان در یمن طرفداری کرد. اما در مورد میزان نفوذ ایران بر هزاره‌ها اغلب غلو می‌شود. در واقع، جمهوری اسلامی با اکثریت رهبران سنی‌مذهب افغانستان به مراتب مناسبات بهتر داشته است. گلبدین حکمت‌یار بدنام قبل از آن‌که به جنگ علیه نیروهای ائتلاف غربی بپیوندند در ایران زندگی می‌کرد، دفتر حامد کرزی در دوران ریاست‌جمهوری او از ایران کیسه‌های پول دریافت کرد و ملا اختر منصور، رهبر پیشین طالبان، زمانی که توسط یک هواپیمای بدون سرنشین امریکایی کشته شد از ایران بر می‌گشت.

در ۲۱ نوامبر، حدود ساعت دوازده‌ونیم بعد از ظهر، یک بمب‌گذار انتحاری مواد انفجاری‌اش را در میان صدها عزادار هزاره که در داخل مسجد باقرالعلوم در غرب کابل گردهم آمده بودند، منفجر ساخت. این حمله بیش از سی کشته و تعداد زیاد زخمی برجای گذاشت. همین که گردوخاک این انفجار مرگبار اندک‌اندک فرو نشست، آقای، خبرگزاری داعش، ادعا کرد که «یک فدایی دولت اسلامی یک معبد شیعیان حسینی را در شهر کابل هدف قرار داد». از ماه جولای بدین‌سو، این سومین حمله‌ی داعش با تلفات سنگین بر اجتماع هزاره‌ها است.

برای حملات داعش بر اجتماع هزاره‌ها که از دیر زمان بدین‌سو تحت پیگرد بوده‌اند، دو دلیل وجود دارد. نخست این‌که داعش شیعه‌ها را رافضی می‌خواند و آن‌ها را مرتدایی می‌داند که شایسته‌ی مردن‌اند. از این‌رو، هزاره‌ها اهداف مشروع هستند. دوم این‌که داعش به‌دنبال شعله‌ور ساختن خشونت فرقه‌ی در کشور است. این گروه به هدف اولش نایل آمده است، اما در دومی ناکام مانده است. هزاره‌ها، با زخم‌های چندین قرنه‌ی تعقیب و ظلم، از درگیر شدن در خشونت فرقه‌ی خودداری کرده‌اند و پس از هر حمله‌ی، خشم‌شان را به سوی رهبران سیاسی و حکومت افغانستان به‌خاطر ناکامی در محافظت از آن‌ها نشانه رفته‌اند. با توجه به حضور پراکنده‌ی [داعش] در دو طرف مرز افغانستان و پاکستان، حدس زدن تعداد جنگجویان داعش در این منطقه دشوار است. در سال ۲۰۱۵، داعش به‌صورت رسمی از ولایت خراسان دولت اسلامی تحت رهبری فرماندهان پیشین طالبان حمایت کرد. از آن زمان تاکنون ولایت خراسان مسئولیت چندین حمله در افغانستان و پاکستان را بر عهده گرفته است.

برخلاف عراق و سوریه، جایی که داعش از نارضایتی‌های سیاسی سنی‌ها علیه حاکمان شیعی و علوی استفاده می‌کند تا شعله‌ی خشونت افراطی فرقه‌ی‌اش را برای حفظ خلافتش زنده نگه‌دارد، ولایت خراسان در افغانستان با بن‌بست مواجه است. تاریخ افغانستان مملو از جنگ قومی - قبیله‌ی و خون‌ریزی است. در اواخر قرن نهم، امیر عبدالرحمان خان، بنیان‌گذار دولت مدرن افغانستان، از روحانیون پشتون کمک خواست که هزاره‌ها را تا سرحد تسلیم شدن بکوبد. روحانیون به وعده‌ی زمین، ثروت و زن

۶ سال گفت و گو برای مصالحه؛ قبل از این که اشرف غنی به ارگ برود توافق صلح نهایی شده بود

بخش سوم

در سال ۲۰۱۰، وقتی که من همراهی شان صحبت می‌کردم که کاندید هیچ چیز نبودند، ایشان را شخصی فهمیده، معقول و با منطق یافتم در بین همه‌ی سیاسیون افغانستان و این را من با جدیت می‌گویم. دیشب من با ایشان نشست داشتیم؛ به‌رغم شایعاتی که درباره‌ی ایشان وجود دارد واقعاً ایشان خیلی انسان معقول و صاحب منطق قوی است. حالا سیاست یک چیز دیگر است. وقتی من به اروپا برگشتم و به رهبری حزب اسلامی گزارش نوشتم، در افغانستان کسی که ما توانستیم همراهی شان واقعاً به‌صورت منطقی و معقول صحبت بکنیم کسی به‌نام اشرف غنی است. بالاخره موضع‌گیری‌ها و وعده‌هایی که آن‌ها در دروان کمپاین دادند. یگانه نامزدی بودند که واقعاً یک برنامه‌ی اقتصادی و سیاسی مدون را پیشکش می‌کردند.

ولی شرط اصلی‌شان امضای پیمان امنیتی و ابقای نیروهای خارجی در افغانستان بود.

متأسفانه در این رابطه تمام نامزدان به استثنای آقای هلال، که حتا آقای هلال هم در اوایل کمپاینش تا زمانی که من در کابل نیامده بودم، موضع یکسان با دیگر نامزدان داشت، نظر روشنی نداشتند. حقیقتاً شما برنامه‌ها یا چیزهایی که شبیه برنامه‌های نامزدان بود، اگر نام‌شان را بر می‌داشتید حتا درک نمی‌کردید که کدام برنامه از کی است. همه یکسان، همه بی‌محتوا، همه شعاری. اما بالاخره آهسته‌آهسته آقای اشرف غنی یک چیزی شبیه برنامه‌ی سیاسی-اقتصادی را برای مردم ارایه کرد. اما هیچ کدام از نامزدان حاضر نبودند که بگویند قرارداد امنیتی را با امریکایی‌ها امضا نمی‌کنند.

شما در مورد توافق‌نامه‌ی صلح مشخصاً گفتید که قبل از به دور دوم رفتن انتخابات در حقیقت به مسوده‌ی دست یافته بودیم. بعد از این دور، زمانی که گفت‌وگو با شورای عالی صلح پیش رفت، تغییر کلانی در متن توافق‌نامه آمده است یا نه؟

بلی، کلیات متحوای آن توافق‌نامه حفظ شده اما در بعضی مسایل صراحتش کمتر است در بعضی مسایل، نکات تازه‌یی در آن اضافه شده است. اما روح آن توافق‌نامه در مجموع حفظ شده است و طبیعی است وقتی شما با یک جناح مذاکره می‌کنید، سهل‌تر و ساده‌تر است ولی وقتی با پنج شش یا پانزده جناح هم‌زمان مذاکره می‌کنید ناممکن است که شما عین متن را حفظ بکنید. ولی بالاخره هیأت حزب اسلامی می‌فهمید که به کجا می‌خواهد برود. ما روح موضوع را حفظ کردیم ولی در شکلیات کمتر تاکید کردیم. بالاخره نتیجه‌ی مذاکرات این شد که در ظاهر حداقل، ما اجماع عمومی را در جامعه‌ی افغانستان در تمام اقشار سیاسی کشور به‌وجود آوردیم یعنی دیگر احدی مخالفت علنی و صریح با توافق‌نامه‌ی صلح تا به امروز نکرده‌اند.

در خود متن توافق‌نامه چند نکته وجود دارد. از جمله بحث اعطای مصونیت قضایی، قطع روابط حزب اسلامی با گروه‌های تروریستی و مسلح غیرمسئول، تامین امنیت رهبران حزب اسلامی و جذب کادرهای حزب اسلامی در بخش‌های نظامی و ملکی در دولت و همچنان حداقل فراهم کردن زمینه‌ی کار سیاسی برای حزب اسلامی در پرتو قانون اساسی افغانستان. به نظر شما اگر احیاناً مصونیت قضایی، گفت‌وگوهای که چند روز پیش انجام شد، از طرف سازمان ملل یا دولت افغانستان اعطای نشود و لیست سیاهی که وجود دارد نام اعضای حزب اسلامی از آن بیرون نشود، امکان این وجود دارد که این توافق‌نامه‌ی صلح برهم بخورد یا اجرا نشود؟

برای آسیب‌شناسی توافق‌نامه طبیعتاً ما فکر کرده‌ایم. سه منبع می‌تواند در کل این توافق‌نامه را به چالش بکشد. یکی احزاب سیاسی افغانستان، دوم دولت افغانستان با عدم پابندی و سوم کشورهای خارجی. در حقیقت اگر این کار انجام می‌شود، در تباری باهمدیگر است. حداقل دوتا از این سه عامل در تباری باهمدیگر باشند. تا زمانی که این امید و تقاضای ملی وجود داشته باشد، احدی از این سه عامل، مجال مخالفت با صلح نخواهد داشت ولی می‌تواند در شرایطی در این کار پیشرفت بکنند. تصمیم قطعی در روند صلح است حتا اگر بندهایی از این توافق‌نامه مجال عملی شدن را پیدا نکنند.

حتا اگر احیاناً مسأله‌ی اعطای مصونیت قضایی و یا خروج نام رهبران حزب اسلامی و خود حزب از فهرست سیاه عملی نشود شما کماکان به تعهدتان در برابر توافق‌نامه ادامه می‌دهید؟

سیاست‌مداران افغانستان خود، به خویش مصونیت قضایی داده‌اند. آقای مجیدی حتا پافشاری داشت که به امریکایی‌ها به هر صورت باید...

ادامه در صفحه ۵



گفتگو با امین کریم،

رئیس هیأت مذاکره‌کننده‌ی حزب اسلامی افغانستان

وجودی که من شخصاً با ایشان آشنایی دارم و سابقه‌ی عضویت در حزب اسلامی دارد، ولی بنا بر ارتباطاتی که در سال‌های اخیر پیدا کرده، داخلی و خارجی، یک مقدار زیاد صحبت‌های شان استوار بر بهتان و تهمت است. از جمله ایشان بهتان ناروایی را بستند مبنی بر این که دختران برادر مجاهد حکمتیار آمدند و به سفارت امریکا رفتند، این‌ها مطلقاً کذب است و ساخته‌شده‌ی ذهن آقای وحید مژده و به همین ترتیب کارهای دیگر.

نخیر، برادر مجاهد حکمتیار از روزی که جهاد دومی را شروع کرده هیچ‌وقت از ایمیل و از این قبیل مسایل به‌دلیل امنیتی استفاده نمی‌کنند. بلی، ولی من بیشتر برای شما عرض کردم که ارتباطات ما برای بار دوم که بار اولش در سال ۲۰۱۰ بود، دقیقاً در ۷ و ۸ نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. در آن زمان ایشان علاقه‌مند بودند که حزب اسلامی افغانستان در مبارزات انتخاباتی نوعی ائتلافی را به‌وجود بیاورد. به همین ترتیب جناب داکتر عبدالله هم تماس گرفته بودند. ما در نوامبر ۲۰۱۳ با هیأتی که تحت ریاست من و آقای غیرت بهیر بود، با تمامی کاندیدان ریاست‌جمهوری دیدار کردیم. سوالاتی در پیش ما بود که با همه یک‌سان مطرح کردیم، در رأس آن چگونگی خروج نیروهای خارجی از افغانستان و اعاده‌ی استقلال افغانستان بود. متأسفانه به این سوال‌ها هیچ کاندیدی نتوانست یا نمی‌توانست یا نمی‌خواست جواب صریح بدهد. بنا ما صرف به‌خاطر این که موقف خود را روشن بکنیم، من شخصاً منجیح مشاور کمپاین آقای هلال که یگانه کاندید حقیقتاً مستقل بود نه نامزد حزب اسلامی، یگانه کسی که حاضر شد از مسأله‌ی خروج نیروهای خارجی صریح حرف بزند، همکاری‌ام را شروع کردم. با ایقان کامل به این که آقای هلال هیچ‌گونه شانس در مبارزات انتخاباتی ندارند-به‌خاطر تقلبات بسیار وسیع و این که حزب اسلامی شاید بیشتر از ۷۰ درصد اعضای آن کارت رای‌دهی نگرفته بودند- اما به‌خاطر استفاده از موقع و تثبیت این‌که انتخابات یگانه راه مشروع است، من به کابل آمدم و در کمپاین آقای هلال شرکت کردم.

دلیل دفاع شما چه بود؟ آیا اشرف غنی از خروج نیروهای خارجی حمایت می‌کردند؟

آقای اشرف غنی با ما صحبت‌هایی که داشتند در مقایسه با همه‌ی نامزدهای دیگر برنامه‌ی روشن‌تری داشت. بالاخره در دور دوم که بین دو نامزد انتخابات برگزار شد، ما ترجیح می‌دادیم که ایشان نامزد خوب‌تر است.

آن زمان هیچ وظیفه‌ی نداشت، گفت‌وگو کردم. در همان زمان ما فهمیدیم که دولت حداقل گوش شنوایی برای مسأله‌ی صلح ندارد. اما صحبتی که با آقای اشرف غنی داشتیم، تشخیص خود من این بود که او می‌تواند برای امروز و فردای افغانستان، به‌خصوص در مسأله‌ی صلح، روزی مفید واقع شود. شرایط قسمی پیش آمد که ایشان رئیس‌جمهور شدند و بنا مذاکرات ما تقریباً چند ماه قبل از این که ایشان منجیح رئیس‌جمهور انتخاب شوند و در حقیقت در زمانی که خود را نامزد کردند، در این راستا شروع شد و تقریباً قبل از آن که ایشان به دور دوم برسند ما به یک توافق‌نامه‌ی کلی رسیده بودیم. از طریق آقای استانکزی که در آن زمان رئیس دارالانشای شورای عالی صلح بودند، و پیش از آن که آقای غنی در ارگ برود ما توافق‌نامه را نهایی کرده بودیم. اما در این میان مسأله‌ی حکومت وحدت ملی به‌میان آمد و کشمکش‌هایی که شما می‌دانید. بنا دور دیگری از مذاکرات دوباره شروع شد و بالاخره در ماه مارچ امسال این مطلب به جدیت کامل رسید و مبنای کار ما هم همان سندی بود که قبلاً روی آن توافق شده بود. اما بنا بر تفاهم دو جانب و برای به‌دست آوردن یک اجماع، ما تفاهم کردیم که منبع این مسایل از طریق شورای عالی صلح پیش برود.

شورای عالی صلح هیأتی را تعیین کرد که نمایندگی از تمامی جناح‌های سیاسی مطرح و مهم افغانستان می‌کرد. یعنی نماینده‌هایی از داکتر صاحب عبدالله، از آقای دوستم، از حزب وحدت اسلامی و همه‌ی این‌ها هیأتی بودند که با ما مذاکره می‌کردند. ما دو نفر بودیم، من و انجنیر عتیق‌الله صافی و همین دو نفر این مذاکرات را به اتمام رساندند، با مشکلات بسیار زیاد.

من از وحید مژده شنیدم که گفت، ایمیل‌هایی بین شخص آقای حکمتیار و اشرف غنی یا بین دو نهاد؛ دفتر آقای غنی و دفتر آقای حکمتیار، تبادل شده و همین‌طور دیدارهایی در زمان پیکارهای انتخاباتی صورت گرفته و براساس آن آقای حکمتیار و حزب اسلامی دستور دادند که از اشرف غنی حمایت شود. به‌خصوص در مناطق شرقی و جنوب‌شرقی افغانستان.

قرار معلومات، بیشترین رای اعضای حزب اسلامی افغانستان به جناب آقای اشرف غنی رفته است و این تشخیص از طریق آمارهای رسمی صورت گرفته است که از کمیسیون انتخابات برداشته شده. آقای مژده با

دلیل توجه‌تان به مصالحه و این که بخواهید دست از مبارزه‌ی مسلحانه بردارید، چه بود؟

در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ما به این نتیجه رسیدیم که روابط معادله‌ی قضیه‌ی افغانستان بین کشورهای متهاجم و ملت افغانستان یک معادله‌ی بازنده-بازنده است و آخرش بی‌نتیجه است ولی با تباهی بسیار بزرگ. پنج شعار بزرگی را که جانب مقابل داده بود و آقای تونی بلر و بوش و دیگر مسئولین کشورهای متهاجم در هر صحبت‌شان تکرار می‌کردند عبارت بودند از مبارزه بر ضد تروریسم، مبارزه بر ضد مواد مخدر، به‌سازی حکومت یا **Good Governance**، دموکراسی و بازسازی افغانستان. در ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ برای ما تثبیت شد که در هر پنج شعار و ادعا جانب مقابل نه‌تنها شکست خورده است بلکه در افغانستان بعد از تهاجم نیروهای خارجی تروریسم به معنای واقعی کلمه تولید شد، اگر نگوییم توریید شد. قبل از آن شما هیچ نوع عملیاتی که بتواند تعریف واقعی تروریسم را تداعی بکند، در طول تاریخ افغانستان سراغ ندارید. یگانه عملیات تروریستی که در طول تاریخ امت اسلامی می‌شود سراغ کرد، همان مسأله‌ی اساسیون است در زمان حسن صباح. دیگر در تاریخ اسلام و جهان اسلام این نوع عملیات را سراغ نداریم و در افغانستان بعد از تهاجم نیروهای خارجی این مقوله تولید و توریید شد. دوم در رابطه به **good governance**؛ که افغانستان فاسدترین نظامی که در طول تاریخ خود داشته تجربه کرده است و این ادامه دارد.

بنا افغانستان امروز وابسته‌ترین کشور دنیا است و از نگاه حکومت‌داری خوب فاسدترین. از نگاه دموکراسی مسخ‌شده‌ترین نوع دموکراسی. کشت و تولید مواد مخدر ۸۰۰ درصد بلند رفته. یعنی این‌ها نتایج معکوس دارد. بنا این معادله بسیار واضحاً برابری ملت افغانستان و افغانستان از نگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است. ولی ما فکر می‌کردیم که این معادله می‌تواند برنده-برنده باشد و معادله‌ی بازنده-بازنده به معادله‌ی برنده-برنده تبدیل شود. براساس تعریف مشخصی از منافع ملی مردم افغانستان و منافع مطبوع کشورهای متهاجم، یعنی چیزهایی که آن‌ها در افغانستان، از افغانستان انتظار دارند هم برآورده شوند و این منافع مطبوع این‌ها و منافع مشروع ملی مردم افغانستان در داخل افغانستان در تراجم و تقابل باهم نیستند بلکه می‌تواند باهم قابل جمع باشند و در طول همدیگر قرار داشته باشند. بنا این برداشت سبب شد که ما طرحی را برای اعاده‌ی صلح در سال ۲۰۰۶ بکنیم. در اوایل ۲۰۰۷ ما در اروپا کمیسیونی را به‌نام «کمیسیون صلح و آزادی» ترتیب دادیم که تا امروز وجود دارد. این کمیسیون مامور شد که این فعالیت را به همین استوا به پیش ببرد. در این رابطه افراد سرشناس و وطن‌دوست را از امریکا و اروپا دعوت می‌کردیم. یکی از این افراد آقای داکتر نورالله صافی بود که چند سال پیش فوت کردند. ایشان قربان نزدیک با آقای کرزی داشتند و مشاور مسایل صحتی برای اتحادیه‌ی اروپا در افغانستان بودند و به‌خصوص با آقای داکتر نجیب مجیدی که پدرش در آن وقت مسئول کمیسیون تحکیم صلح بود. ما آن‌ها را به کمیسیون صلح و آزادی دعوت کردیم و خواستیم که با ما همکاری کنند و آن‌ها ما را دعوت کردند که شما بیایید تمام تقاضایی را که شما می‌کنید، با آقای کرزی مطرح می‌کنیم و آن‌ها آمادگی دارند تا در این رابطه صحبت شود. من همین پنج مطلب را برای‌شان ذکر کردم و گفتم که ما این مسایل را می‌خواهیم. آن‌ها بعد از یک هفته اطلاع دادند که مطمئناً مسایل شما را آقای کرزی پذیرفته و می‌پذیرد و شما هیأتی به کابل بفرستید. بنابراین، در سال ۲۰۱۰ در ماه مارچ، هیأتی ابتدا سه نفری، تحت ریاست من و شرکت قریب الرحمان سعید و داوود عابدی ابتدا برای چند روز به کابل آمد و پس از ملاقات‌های ابتدایی با آقای کرزی دو نفر دیگر، انجنیر هلال و داکتر غیرت بهیر در هیأت اضافه شدند. در آن‌جا چند بار با آقای کرزی ملاقات و صحبت داشتیم و با تمام رهبران سیاسی افغانستان تقریباً بدون استثنا و من‌الجملة با شخصیتی از افغانستان به‌نام محمد اشرف غنی که در

ممکن است رهبران طالبان از پاکستان به افغانستان نقل مکان کنند

اسوشیتد پرس/میریس خان ولیونه دانیل ■ ترجمه: عبدالواحد فاضلی



سخن سخیداد هاتفا

یا ایها المشاورون

روزگاری بود که اسمش را بسیاری مردم «اوغایتا» گذاشته بودند. چه روزگاری بود. به قول امیرجان صبوری نقل و صندلی بود و در ضمن، همان، نقل و صندلی بود. خانه‌ها هم کاهگلی بودند البته. ملت با حکومت یکدله بود و قصر شاهی یک منزله بود. خلاصه همه چیز ساده بود و همان ساده هم از سر ما زیاده بود. در آن غایتا، که بعضی به غلط آن را آن غایطا تلفظ می‌کنند، زنده‌گی هم «عرصه» کم داشت. یکی عرصه‌ی جنگ داشت و یکی عرصه‌ی بخور تا نترکیده‌ای. شعرا آن را عرصات رزم‌ویزم می‌نامیدند. و چون زنده‌گی عرصه کم داشت، پادشاه هم مجبور نبود چیزهای زیادی بداند. در عرصه‌ی رزم، شمشیر و سنان به دست بچه‌های مردم می‌داد و می‌گفت شما که این قدر شریعتی خوانده‌اید خوب، بروید اگر می‌توانید بمیرانید و اگر نمی‌توانید بمیرانید حداقل بمیرید. عساکر هم معمولاً به یکی از این دو آرزوی دیرینه‌ی خود می‌رسیدند. در عرصه‌ی بزم هم شاه مشکل چندانی نداشت. شاعران را جمع می‌کرد و می‌گفت حالا شما آزادید در مدح کف پای من قصیده بسرایید یا اگر خیلی خسته‌اید بسپارم که در طویله شما را با گاوان و خران محشور نمایند. برای همین بود که کسی گفته بود «نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای/ تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند». بعد که فلک اعتراض کرده بود که بی ناموس، من ۹ کرسی از کجا بیارم، شاعر دیگری از این گستاخی فلک عصبانی شده بود و طرح داده بود که فلک را سقف بشکافیم و بنیادش براندازیم. خلاصه، زنده‌گی ساده و کم‌عرصه بود و شاه هم شاه بود و هم قاضی و هم مدرس و هم فقیه و هم محتسب و هم جنگسالار (از جنگسالاران معذرت می‌خواهم؛ در آن زمان جنگسالار به هیچ‌وجه به معنای کسی نبود که پول برق خود را نپردازد). اما با دریغ حالا آن روزگار سپری شده. عرصه‌های زنده‌گی هم فراوان گشته‌اند. به همین خاطر رییس‌جمهور محترم ما به‌تازگی مشاورانی در این عرصه‌ها برگزیده است:

- مشاور در امور سفید نگه داشتن برف در اطراف قصر ریاست‌جمهوری
- مشاور در امور میزان کردم والیوم قهقهه‌های جلالت‌مآب رییس‌جمهور
- مشاور در امور بیدار کردن رهبر ملت در نیمه‌شبان برای سر زدن به ادارات دولتی و برکنار کردن مر امرای حکومتی را به اذن الله.

دارند. هر چند یک‌بار دیگر مذاکره با دولت افغانستان با هدف پایان دادن به جنگ آغاز شد که آن‌هم امسال شکست خورد.

از زمانی که شمار نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ کمتر شدند، ردپای شورشیان در افغانستان گسترده‌تر شده است. آن‌ها میزان و گستردگی حملات‌شان را حفظ کرده‌اند و هم‌چنین حداقل سه مرکز ولایت (کندهار در شمال، لشکرگاه در جنوب هلمند و ترینکوت در ارزگان) را در ماه‌های اخیر مورد تهدید قرار داده‌اند.

نیروهای امریکایی تایید کرده‌اند که شورشیان مناطقی را گرفته‌اند (اشغال کرده‌اند)؛ اگرچه شکست نهایی و قطعی (در افغانستان) هنوز سخت است که مورد تایید قرار بگیرد. امسال نیروهای امنیتی بدترین تلفات را از سال ۲۰۰۱ به این طرف تجربه کرده‌اند. حدس زده می‌شود که رقم تلفات نیروهای امنیتی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۵۰۰۰ تن باشد.

سفیر اتحادیه‌ی اروپا در کابل (فرانز میثائل ملبین) گفت: «حضور دائمی طالبان در افغانستان یک پیام را به ما منتقل می‌کند و آن این‌که شورشیان اکنون مناطق بیشتری را در اختیار دارند و نیروهای امنیتی توانایی خارج کردن آن‌ها را از افغانستان ندارند.»

او ادامه می‌دهد که نمی‌تواند گزارشاتی را که در هفته‌های اخیر انتشار یافته، تایید نماید، اما چنین حرکتی می‌تواند بخشی از تلاش طالبان برای به‌دست آوردن مناطق مستقل باشد. هم‌چنین قسمتی از طالبان دوست ندارند زیر فشار مستقیم پاکستان باشند.

اشرف غنی در تلاشش برای راضی کردن پاکستان به‌خاطر قطع کمک‌هایش از طالبان و هم‌چنین برای پیشرفت گفت‌وگوهای صلح و ایجاد صلح، شکست خورد. بعد از یک‌سال تلاش، غنی در اواخر سال ۲۰۱۵ روابطش با اسلام‌آباد را قطع کرد و پاکستان را به استفاده از طالبان برای دامن زدن ناامنی و ایجاد جنگ در افغانستان متهم کرد.

اما مقامات پاکستان اتهاماتی را که به سازمان اطلاعاتی آن کشور (ISI) در حمایت از شورشیان وارده شده بود رد کردند.

وجود شوراهای عمدتاً مستقر در افغانستان (که مربوط به طالبان هستند)، نقش پاکستان را کاهش می‌دهد و این زمانی است که دولت اسلام‌آباد زیر فشار امریکا

کابل، افغانستان بعد از بیش از یک دهه عملیات و جنگ خارج از پاکستان، رهبران جنبش طالبان افغانستان تصمیم گرفته‌اند تا به سرزمین مادری‌شان نقل مکان کنند و تلاش نمایند تا امسال هم در جنگ غنایم به‌دست آورند و هم یک حضور دائمی را (در افغانستان) تجربه نمایند.

اگر این خبر تایید شود، این جابه‌جایی و نقل مکان نشانه‌ی اعتماد به نفس طالبان در جنگ علیه دولت مورد حمایت امریکا خواهد بود. این هم‌چنین می‌تواند تلاش جنگجویان برای ایجاد فاصله از پاکستان باشد که متهم به حمایت از جنبش طالبان است.

رهبران طالبان در شهرهای پاکستان مانند کوئته و کراچی و پیشاور پایگاه دارند. این پایگاه‌ها از زمانی که سلطه‌ی‌شان بر افغانستان در سال ۲۰۰۱ بر اثر حملات امریکا سقوط کرد، وجود داشتند.

سخن گوی طالبان ذبیح‌الله مجاهد «چند ماه پیش» گفت، شورای رهبری یا هیات طالبان باید به افغانستان منتقل شود. اگر چه او درباره‌ی مکان آن حرفی نزد.

یک مقام رسمی طالبان گفت که شورا در جنوب ولایت هلمند منتقل شده بود؛ جایی که شورشیان تمرکز می‌کنند تا این منطقه قسمتی از منطقه‌ی مرکزی‌شان باشد و جایی که بیشتر مواد مخدری را تولید می‌کنند که تامین‌کننده‌ی بودجه‌ی عملیاتی‌شان است. به‌خاطر دلایل امنیتی اما، این مقام رسمی (طالبان) حاضر نشد آن منطقه را معرفی کند. منابع دیگر طالبان گفتند که شوراهای مذهبی، شورای سربازگیری و بالاخره شورای دادگستری طالبان هم به جنوب افغانستان منتقل شده است. هر چند این اظهارات به‌طور مستقل تایید نشده است.

دفتر ریاست‌جمهوری افغانستان گفت که هیچ مدرک و تاییدیه‌ی وجود ندارد که این حرکت‌ها و جابه‌جایی‌ها اتفاق افتاده باشد. «این اطلاعات که گویا طالبان شورا را به افغانستان انتقال داده‌اند مورد تایید نیست.» هارون چخانسوری سخنگوی اشرف غنی در ادامه می‌گوید: «ما هنوز معتقدیم که آن‌ها از پناهگاه‌های خود در خارج از افغانستان بر علیه ما استفاده می‌کنند.»

با این حال ذبیح‌الله مجاهد (سخن‌گوی طالبان) گفت که مقامات رسمی کابل از این حرکت‌ها و انتقال‌ها آگاه هستند. غنایم به‌دست‌آمده از میدان جنگ باعث شده که شورشیان فکر کنند که آن‌ها در یک موقعیت بهتری قرار

ادامه از صفحه ۴ قبل از این که اشرف غنی به ارگ برود...

مصونیت قضایی داده شود. اما پسرشان با سوءاستفاده از کبر سن آقای مجددی درباره‌ی حزب اسلامی تقاضای برعکس دارد. یعنی به امریکایی‌ها باید مصونیت قضایی داده شود به هر جرم و جنایتی که می‌کنند ولی رهبری حزب اسلامی با در نظر داشت گذشته‌ی پراختخارشان باید مصونیت قضایی نداشته باشد.

من برای شما یک پرسش را می‌گویم که قابل قبول عام ما و شما باشد. ترجیح این است که احدی در افغانستان و غیرافغانستان مصونیت قضایی نداشته باشد، نه داخلی و نه خارجی و هیچ کسی از این قاعده مستثنا نباشد. شروعش از آقای مجددی و خانم سیماسمر و برادر حکمتیار و امریکایی که می‌گویید. یا مصونیت به همه یا برای هیچ‌کس.

متن توافق‌نامه را که ما خواندیم، تاکید بیشتر بر مشروعیت شده بود که الزاماً بیشتر همان معنای

دینی‌اش را می‌رساند. قانون اساسی افغانستان یک سلسله قوانین دیگر از جمله قانون اخیری که در پارلمان تصویب شد، قانون منع خشونت علیه زنان، را دارد. وجود کمیسیون مستقل حقوق بشر که مبتنی بر کنوانسیون حقوق بشر فعالیت می‌کند. با کلیت آن موافقت؟ آزادی بیان، برابری؟

قانون اساسی افغانستان ضعف‌ها و مشکلاتی دارد ولی یک قرارداد عرفی-اجتماعی است که در مقایسه با کشورهای همسایه و منطقه شاید یکی از مترقی‌ترین قوانین اساسی باشد علی‌رغم ضعف‌هایی که دارد. ما این قانون اساسی را پذیرفته‌ایم و معتقد به این هستیم که کشور ما شدیداً ضرورت به داشتن جامعه‌ی مدنی دارد و در راس آن یک کمیسیون مستقل حقوق بشر که متأسفانه این کمیسیون همه چیز را دارد به استثنای استقلال.

شما می‌دانید که جامعه‌ی مدنی تعریفش چیست. جامعه‌ی مدنی عبارت از گروه‌های اجتماعی هستند که بدون کمک مادی و به‌صورت داوطلبانه فعالیت می‌کنند. اما آیا شما در افغانستان جامعه‌ی مدنی، سازمان‌های مدنی را سراغ دارید که معاش‌خور نباشند؟ بنا به تعریف هیچ سازمانی مدنی شمرده نمی‌شود تا زمانی که به‌صورت داوطلبانه و غیر منفعتمندی فعالیت نکند. اما مسأله‌ی زنان. ما معتقد هستیم که در افغانستان حقوق زن‌ها پامال است حتا از دید اسلامی و اگر نگوئیم به‌خصوص از دید اسلامی. ما در یک جامعه‌ی مردسالار سنتی زندگی می‌کنیم که حقوق زن هم از نگاه برداشت سنتی از دین و هم به‌لحاظ سنتی و مردسالار بودن جامعه و زندگی روستایی دره‌نشینی که از نگاه جامعه‌شناسی مشکلات بیشتری را برای زنان خلق می‌کند، طبقه‌ی اناث افغانستان محروم‌ترین و مظلوم‌ترین بخش ملت افغانستان است. زنان مظلوم مضاعف هستند، هم از مظلومیت عام رنج می‌برند هم از مظلومیت خاص.

ادامه دارد...

<p>هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید</p>		<p>zaki.daryabi2@gmail.com</p>		<p>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی</p>	
<p>Subscribe to Daily Etilaat Roz</p>	<p>برای متعلمین و محصلین</p>	<p>برای ادارات دولتی و شرکتها</p>	<p>معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا</p>	<p>سردبیر: خلیل پژواک</p>	<p>دبیر خبر: عصمت الله سروش</p>
<p>6 Months 120\$ USD</p>	<p>شش ماهه ۲۰۰۰ افغانی</p>	<p>شش ماهه ۳۰۰۰ افغانی</p>	<p>گزارشگر: الیاس نواندیش</p>	<p>ویراستار: عمران راتب</p>	<p>صفحه آرا: هادی دریابی</p>
<p>Annual 200\$ USD</p>	<p>یک ساله ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>یک ساله ۵۰۰۰ افغانی</p>	<p>بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲</p>	<p>ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com</p>	<p>آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا</p>
<p>دادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.</p>					
<p>شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰</p>					
<p>مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲</p>					
<p>چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹</p>					



Haseeb Ammar

چرا باید دین را نقد کرد؟

من از حفیظ منصور و طبیعت دمدمی مزاج و پرخاشگراش خوشم نمی‌آید. اما این به آن معنا نیست که آنچه می‌گوید را با گوش خالی از غرض نشنوم. صحبت‌های او در مورد لزوم بازنگری در محتوای مضمون «تقافت اسلامی» که در دانشگاه‌ها و مکتب‌های افغانستان تدریس می‌شود، برای آن‌هایی که دفاع از دین را هدف خود قرار داده‌اند و آن‌هایی که می‌خواهند افغانستان را از آنچه که تروریسم و اندیشه‌های تروریستی خوانده می‌شود نجات دهند، راهگشا است. در واقع به چند سخنرانی اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان هم که گوش داده‌ام، او را هم نظر با آقای منصور می‌بینم.

من قبلاً هم بارها نوشته‌ام که بسیاری از آن‌هایی که در افغانستان سنگ دفاع از دین را به سینه می‌کوبند، در واقع خلاف دین عمل می‌کنند. نمونه‌اش صحبت‌های مبتذل، بازاری و دور از اخلاق انسانی و اسلامی برخی ملاحی منتقد آقای منصور، مثل ایاز نیازی و عبدالسلام عابد است (لینک دو نمونه را در کمن‌های اول و دوم می‌گذارم). رفتار این‌ها در تناقض کامل با اخلاق نیکوی پیامبر و رهنمون‌های قرآن است. بنابراین، بهتر است این ملاحی ابتدا، ادب بحث و مناظره در اسلام را بیاموزند و رفتار پیامبر با مخالفانش را الگو قرار دهند.

اما چرا باید دین را نقد کرد؟ برای این‌که دین محصول تجربه‌ی بشری است و مثل هر تولید اندیشگی دیگر بشری قابل نقد است. متون مقدس، که عبارت از قرآن و احادیث معتبر است، به‌عنوان منابع اصلی دین (برخی دانشمندان مسلمان مثل احمد صبحی منصور مصری از دانش آموخته گان دانشگاه الازهر، احادیث را به‌عنوان منبع تشریح نمی‌پذیرند). تکلیف شان جدا است. صحبت ما بر سر شرح و تفسیر منابع دین است که قدسیت ندارد و به هیچ وجه تفسیر حقیقی یگانه‌ی هم وجود ندارد. اگر می‌داشت، ما شیعه و سنی، وهابی و سلفی، ظاهری و خارجی، تندرو و میانه‌رو نمی‌داشتیم. حتا در داخل مذهب واحد، دیدگاه‌های متعدد در مورد مسائل مختلف شرعی وجود دارد. به‌طور نمونه در مذهب حنفی، در کنار دیدگاه‌های امام ابوحنیفه، ما دیدگاه‌های متفاوت شاگرد و جانشین‌اش امام زُفر و دو شاگرد دیگرش امام یوسف و امام محمد را داریم. یا مثلاً امام شافعی وقتی به مصر رفت، بسیاری از دیدگاه‌های او را که در عراق داشت، تغییر داد. چون اوضاع و سنت‌های حاکم در مصر از عراق متفاوت بود.

آنچه در مضمون «تقافت اسلامی» قابل نقد است، تفسیری است که نویسندگان کتاب‌های این مضمون از متون مقدس دینی داده‌اند. واژه‌ی «تیکه‌داران دین» از همین جا پیدا شده. وقتی شماری دیدگاه و تفسیر خود را عین حقیقت می‌پندارند و به دیگران اجازه نمی‌دهند که آن‌ها را نقد کنند.

من هیچ کتابی از مضمون «تقافت اسلامی» در افغانستان را نخوانده‌ام، اما براساس آنچه دیگران خوانده‌اند و نوشته‌اند و آنچه برخی مدافعان از محتوای کتاب‌های این مضمون در دو روز گذشته گفته‌اند؛ می‌توانم بگویم که در حرف‌های حفیظ منصور واقعیت نهفته است.

«کفر» بودن دموکراسی از موضوعاتی است که در این کتاب‌ها بر آن تصریح شده است. این به آن معنا است، نظامی که فعلاً در افغانستان و تعداد دیگر کشورهای مسلمان، به‌خصوص ترکیه- قبه‌ی اسلام‌گراها- برقرار است، نظام کفری است. خوب، این حکم می‌کند، براساس همین دیدگاه، که چنین نظام باید برافکنده شود تا نظام اسلامی دلخواه آن‌ها جای آن را بگیرد. به عبارت دیگر، باید علیه دولت کنونی افغانستان مردم سلاح بدست بگیرند و دست به قیام مسلحانه بزنند.

چنین دیدگاه و آنچه مدافعان آن و منتقدان آقای منصور می‌گویند، تناقض عجیبی دیگری را هم برملا می‌کند. این مدافعان دین که امروز حق پیدا کرده‌اند نظر مخالف خود را بیان کنند، از برکت همین نظام است. ناز و نعمتی که امروز در آن به سر می‌برند، از خیرات خزانه‌ی همین دولت و حامی بزرگ آن آمریکا است. با سرمایه‌ی همین «نظام کفری» و خون سربازان آن، امنیت شان تأمین شده و می‌شود. از تلویزیون‌ها و دستگاه‌های که محصول اندیشه‌ی «کفار» و «نظام‌های کفری» است، صدای خود را می‌کشند.



Ramin Anwari

ما نسلی تشنه برای تغییر اما بدون نقشه‌ی راه هستیم. ما نسلی تشنه برای تغییر، اما بدون هدف هستیم. ما نسل تشنه برای تغییریم اما نمی‌دانیم چه چیزی باید تغییر کند، از کجا باید شروع شود، چگونه برای این تغییر آماده شویم و روی چه ارزش‌هایی سرمایه‌گذاری کنیم. این همین سرخوردگی این نسل است که باعث می‌شود حرف‌های حفیظ منصور (که واقعاً نمی‌دانم چه چیز تازه و انقلابی در آن وجود دارد که این همه ما را هیجان کرده است)، ما را تا این حد احساساتی کند. وقتی می‌بینم حرف‌هایی به این سادگی حفیظ منصور، برای ما «انقلاب» پنداشته می‌شود، به حال خودمان تاسف می‌خورم که چقدر کم و چقدر لنگان به جلو رفته‌ایم.

برای ما - این نسل گوگل و فیس‌بوک - بحث‌هایی از این قبیل، نرخ و نوای بیشتر از یکی دو روز حرفی در دنیای مجازی را ندارد. اگر دیروز مرگ کاسترو مشغله ذهنی ما بود، امروز حفیظ منصور و بحث دین و حاکمیت ملا؛ و فردا هم طرز لباس پوشیدن و رنگ موهای آریانا سعید، این خلای فکری را برای ما پر خواهد کرد.

بزرگترین تظاهرات کره‌ی جنوبی با حضور یک و نیم میلیون معترض در سئول

را مستقیماً در این فساد سیاسی و اقتصادی شریک دانستند و رسوایی ابعاد تازه‌ی یافت.

پارلمان به دنبال برکناری رییس جمهور

با این‌که مقام‌های قضائی خانم پارک را به همدستی در فساد متهم کردند، او تا زمان در دست داشتن قدرت از مصونیت قضائی برخوردار است. او تا به حال دو بار از مردم عذرخواهی کرده اما در برابر فشار نمایندگان اپوزیسیون و برخی از هم‌حزبی‌های خود و مردم معترض و روزنامه‌های بزرگ این کشور برای استعفا مقاومت کرده است. با این حال، پارلمان کره‌ی جنوبی به دنبال رأی‌گیری برای احراز عدم صلاحیت خانم پارک و برکناری او است. اپوزیسیون امیدوار است تا با همراهی تعدادی از نمایندگان حزب حاکم ۹ دسامبر موفق به برکناری پارک گون‌سه در رأی‌گیری شوند.

اما این میزان را ۲۶۰ هزار تن تخمین زده‌است که بر اساس گزارش‌ها، بسیار کمتر از تعداد واقعی مردم حاضر در خیابان‌ها به نظر می‌رسد. پولیس صدها اتوبوس و هزاران مأمور خود را برای تشکیل موانع حرکتی بر سر راه معترضان به سمت کاخ آبی، سکونتگاه رییس جمهور به کار بست. رسوایی سیاسی خانم پارک به دلیل اتهام فساد علیه نامزد و متحد نزدیک او چوی سون شیل رخ داد. پارک این دستیار نزدیک خود را برای پست نخست‌وزیری نامزد کرده‌بود.

خانم چوی متهم شده که با استفاده از نفوذ سیاسی خود شرکت‌های کره‌ی جنوبی از جمله شرکت سامسونگ را به اهدای ۶۸ میلیون دالر به بنیادهای ورزشی و فرهنگی تحت نظارت او وادار کرده‌است.

اما هفته‌ی گذشته مقام‌های قضائی کره خانم پارک

اطلاعات روز: صدها هزار شهروند معترض کره‌ی جنوبی به خیابان‌های مرکزی سئول، پایتخت این کشور، آمدند و خواستار کناره‌گیری خانم پارک گون‌سه، رییس جمهور از قدرت شدند.

این پنجمین آخر هفته متوالی است که معترضان به رسوایی‌های اخیر خانم پارک به خیابان می‌آیند. اعتراضات شنبه بزرگترین تجمع برگزار شده در این مورد بود.

به گزارش روزنامه «نیویورک تایمز»، معترضان کره‌یی شنبه ۲۶ نوامبر مرکز پایتخت این کشور را با جمعیت انبوه خویش پر کردند و خواهان استعفا‌ی پارک گون‌سه، شدند. این تجمع اعتراضی تا مادام یک‌شنبه ۲۷ نوامبر ادامه داشت.

به نقل از رادیو زمانه، سازمان‌دهندگان تجمع معتقدند که علی‌رغم سرمای زمستانی، یک‌ونیم میلیون تن در اعتراض شنبه شرکت کردند. پولیس

داعش علیه شورشیان سوری مخالف اسد از گاز شیمیایی استفاده کرده است

زمان دو سازمان بریتانیایی مسئول تحقیق درباره‌ی حملات داعش در شمال سوریه تأیید کرده بودند که شبه‌نظامیان گروه دولت اسلامی علیه نیروهای کرد پ‌پ‌گ و غیرنظامیان شمال سوریه گاز شیمیایی به کار برده است.

پس از این حملات داعش، در ۲۴ ساعت گذشته جت‌های ترکیه چهار موضع داعش در شهر الباب را هدف قرار دادند و تخریب کردند. در جریان این درگیری‌ها یک شورشی مورد حمایت ترکیه کشته و ۱۴ نفر دیگر مجروح شدند.

هدف ترکیه از عملیات «سپر فرات» دور کردن نیروهای جهادی از مرز این کشور با سوریه است. در این عملیات شماری شورشیان سوری با دولت ترکیه همکاری می‌کنند.

در خاک سوریه انتقال داده شدند. این افراد دچار سردردی شدید و خستگی مداوم و عارضه‌هایی در چشم و بدن‌شان شده‌اند.

به نقل از رادیو زمانه، یک تیم تخصصی از پزشکان ترکیه با انجام آزمایش‌هایی در حال بررسی احتمال این حمله‌ی شیمیایی هستند.

نخستین‌بار نیست که داعش متهم به استفاده از سلاح شیمیایی می‌شود. یک سال قبل نیز جیمز کلپر، هماهنگ کننده‌ی سرویس اطلاعاتی امریکا گفته بود که داعش گازهای کشنده‌ی چون کلر و خردل در اختیار دارد.

به نقل از منبع، تابستان سال ۲۰۱۵ وزارت دفاع آلمان تأیید کرده بود که داعش به پیشمرگه‌های کرد در عراق حمله شیمیایی کرده است. در همان

اطلاعات روز: شبه‌نظامیان داعش راکتی به شمال سوریه پرتاب کرده‌اند که نشانه‌هایی از گاز شیمیایی در آن بوده و در نتیجه‌ی آن ۲۲ تن از شورشیان مخالف دولت بشار اسد دچار مشکل شده‌اند.

این شورشیان از سوی ترکیه حمایت می‌شوند و مدتی است که شهر الباب را که در کنترل گروه داعش است، به محاصره درآورده‌اند.

رسانه‌های ترکیه گفته‌اند که حمله‌ی راکتی داعش بر شورشیان مورد حمایت ترکیه عوارضی بر چشم و بدن ۲۲ تن از نیروهای شورشی برجای گذاشته که نشانه‌هایی از به‌کارگیری گاز شیمیایی در آن موجود است.

پس از آن‌که گمان مسمومیت شیمیایی شورشیان تقویت شد، آسیب‌دیدگان به شفاخانه‌ی مرزی

انتقاد رهبر ایران از مذاکرات هسته‌یی: عجله کردیم

توافق هسته‌یی با ایران را نقض کند از سوی باراک اوباما و تو خواهد شد. با این حال مقام‌های ایران نگران این هستند که با پایان دوره ریاست‌جمهوری آقای اوباما و آغاز به کار دولت دونالد ترامپ، تحریم‌ها علیه ایران تشدید شود.

آیت‌الله خامنه‌ای هفته‌ی گذشته گفته بود که تمدید تحریم‌ها نقض برجام است و قطعاً با واکنش ایران مواجه خواهد شد. او با بیان این‌که درباره‌ی دولت جدید امریکا هنوز قضاوتی ندارد، دولت کنونی امریکا را متهم کرد که به قول‌ها و تعهدات خود در قبال برجام عمل نکرده و یا ناقص عمل کرده است. رهبر جمهوری اسلامی در جریان دستیابی به توافق هسته‌یی، هرگونه وضع تحریم را نقض برجام دانسته بود.

دوباره شروع کردن آن پس از زمان پایان دوره، فرقی نمی‌کند و دومی هم مانند اولی نقض تعهدات طرف مقابل محسوب می‌شود.

او این مسأله را ناشی از عجله در انجام کار دانست و گفته است: «وقتی عجله داریم که کار را زودتر تمام کنیم و به جایی برسانیم، از جزئیات غفلت می‌کنیم و گاهی غفلت از یک امر جزئی، موجب ایجاد رخنه و نقطه‌ی سلبی در آن کار می‌شود.»

اشاره‌ی او به تمدید قانون تحریم‌های ۱۰ ساله ایران در مجلس نمایندگان است که برای اجرایی شدن به تصویب در سنا و امضای رییس‌جمهور امریکا نیاز دارد.

در پی تلاش کنگره‌ی امریکا برای تمدید این قانون، کاخ سفید اعلام کرد که هر مصوبه‌ی کنگره که

اطلاعات روز: رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با فرماندهان نیروی دریایی این کشور، امکان تمدید تحریم‌های ۱۰ ساله ایران از سوی امریکا را نتیجه‌ی عجله‌ی مذاکره کنندگان در به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌یی دانسته است.

به نقل از بخش فارسی صدای امریکا، آیت الله علی خامنه‌ای روز یک‌شنبه هفتم آذر در دیدار با مسئولان نیروی دریایی ارتش، با بیان این‌که عجله در کارها مشکل ایجاد می‌کند و در این زمینه نمونه‌هایی نیز وجود دارد، گفت: «بحث‌های فراوانی راجع به تحریم‌ها شد اما اکنون در کنگره‌ی امریکا، مسأله‌ی تمدید تحریم‌ها را مطرح می‌کنند و مدعی هستند که این‌ها، تحریم نیست، بلکه تمدید است.»

آقای خامنه‌ای، که شروع کردن یک تحریم با

رقابت فرانسوا فیون و الن ژوپه در دور دوم انتخابات درون حزبی محافظه کاران فرانسه

شود. ماری کریستین رولان، رای‌دهنده‌ی دیگری گفته است: «من فکر می‌کنم با توجه به مسائل بین‌المللی مانند سوریه و روسیه، ما به فردی محکم نیاز داریم. فردی توانا و شایسته که گذشته قابل قبولی داشته باشد.»

بر اساس آخرین خبرها مشارکت در این دور از انتخابات مقدماتی محافظه‌کاران فرانسه در مقایسه با دور اول ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر گزارش می‌شود. در دور اول انتخابات مقدماتی درون حزبی محافظه‌کاران بیش از چهار میلیون نفر رای دادند.

الن ژوپه دیگر کاندیدای محافظه‌کاران که در مرحله‌ی اول انتخابات مقدماتی ۲۸.۶ درصد آرا را کسب کرد و مواضع معتدل‌تری نسبت به فرانسوا فیون دارد در شهر بوردو جایی که شهردار آن است رای خود را به صندوق ریخت و در سخنانی گفت که در جریان کارزار انتخاباتی از ایده‌هایش دفاع کرده است و به همین خاطر متأسف نیست.

فیلیپ شارون از مشارکت کنندگان در این انتخابات گفته است: «کاندیدایی که امروز انتخاب می‌شود باید بتواند تاجایی که ممکن است رای بیشتری کسب کند تا مانع راست‌گرایان افراطی در انتخابات

اطلاعات روز: فرانسوا فیون و آلن ژوپه دو کاندیدای انتخابات درون‌حزبی محافظه‌کاران فرانسه روز یک‌شنبه تقریباً به‌طور همزمان رای خود را به صندوق انداختند.

به نقل از یورو نیوز، فرانسوا فیون که در مرحله‌ی اول انتخابات مقدماتی با کسب ۴۴ درصد آرا شگفتی ساز شد و مواضع راست گرایانه‌تری دارد، رای خود را در پاریس به صندوق انداخت و گفت که امروز این رای‌دهندگان هستند که انتخاب می‌کنند و او منتظر حکمی است که آن‌ها صادر خواهند کرد.

ارسال نامه‌های تهدید آمیز علیه مسلمانان در کالیفرنای امریکا

زیادی را بر انگیزخت و مخالفان زیاد را به‌خصوص در میان مسلمانان به خود جلب نمود. طارق محمد، رییس مرکز اسلامی لانگ بیچ در جنوب کالیفرنیا که نامه‌ی تهدید آمیز علیه مسلمانان را یک هفته قبل دریافت کرده است، در صحبت با صدای امریکا گفته که آن نامه از جانب گروهی به‌نام «امریکایی‌ها برای یک راه بهتر» امضا شده است. آقای محمد افزود که در آن نامه‌ی طویل مسلمانان «بد اخلاق، کنیف و بد» توصیف شده‌اند.

امریکا، احساسات ضد‌مسلمانان و ضد‌مهاجرین در آن کشور افزایش یافته است. آقای ترمپ در جریان مبارزات انتخاباتی‌اش بارها در مورد وضع ممنوعیت بر ورود مسلمانان به امریکا صحبت کرده بود. او در یک سخنرانی‌اش گفته بود که خواستار توقف کامل ورود مسلمانان به ایالات متحده تا زمانی می‌باشد که اعضای کانگرس بتوانند وضعیت در آن کشور را بررسی کنند. این اظهارات دونالد ترمپ جنجال‌ها و انتقادهای

اطلاعات روز: مسلمانان مقیم در ایالت کالیفرنای امریکا پس از دریافت نامه‌های تهدید آمیز از جانب حامیان دونالد ترمپ، رییس‌جمهور منتخب این کشور، خواستار اقدامات بیشتر پولیس برای تأمین امنیت خود شده‌اند. به نقل از صدای امریکا، مرکز اسلامی لانگ بیچ، مسجد کلمونت و مسجد سن هوزی طی چند روز اخیر نامه‌های مشابهی را دریافت کرده که عنوان آن «خطاب به فرزندان شیطان» بود. با انتخاب دونالد ترمپ به‌عنوان رییس‌جمهور جدید

زلاتان: می دانستم

روزی دنیا را فتح می کنم

زلاتان ایبراهیموویچ، مهاجم منچستر یونایتد مدعی شد که می دانسته روزی دنیا را خواهد گرفت و همچنین از ساخت مجسمه اش در ورزشگاه فرنانز آرهنا در استکهلم استقبال کرد.

زلاتان که به عنوان بهترین بازیکن تاریخ سوئد شناخته می شود، در کشورهای هلند، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه موفق به کسب قهرمانی شده است. او که به عنوان بهترین گلزن تاریخ سوئد از میدان خداحافظی کرد، حال به دنبال کسب قهرمانی لیگ برتر است و مدعی شد که از همان ابتدا می دانسته دنیا را فتح خواهد کرد.

او گفت: «من از شهر کوچک مالمو آمدم؛ از محله گنو و حالا مجسمه ام در پایتخت سوئد ساخته می شود. شاید قبلا این را باور نمی کردم زیرا حس متفاوتی داشت. به خاطر پیشینه ام در مورد بقیه زمینه ها این طور نبود ولی ایمان داشتم که روزی جهان را فتح خواهم کرد. معمولا وقتی از دنیا می روید مجسمه تان ساخته می شود ولی من زنده هستم. این فوق العاده است و بی نهایت خوشحالم و افتخار می کنم. سوئد کشور من است و در هر جایی که باشم و هر کاری کنم، نماینده سوئد خواهم بود. همیشه به آنجا بازخواهم گشت. نمی توانم این دوره فوتبالم را با کلمات وصف کنم. یک ماجراجویی بزرگ با اتفاقات و نتایج بسیار. حالا مجسمه من ساخته می شود و نمی توانم چیز بیشتری بخواهم. دوست دارم ژست مجسمه مثل ژستم در هنگام بازی باشد، از آن حرکت های زلاتانی. کمی در این زمینه سخت گیری کرده ام زیرا دوست دارم مجسمه شبیه به خودم باشد، بزرگ، قدرتمند و جادویی. می خواهم تمام این ترکیبات در آن باشد ولی سازنده آن عالی کار کرده است.»

گوار دیولا: حالا نوبت

کشف رازهای کوفته است

پپ گوار دیولا، سرمربی منچسترسیتی معتقد است هفته دیگر تیمش باید به مصاف بهترین تیم لیگ برتر برود. هفته دیگر سیتیزن ها در خانه به مصاف چلسی خواهند رفت که می تواند در تعیین قهرمانی نیم فصل تاثیر بسزایی داشته باشد.

گوار دیولا گفت: «کریستال پالاس و برنلی دیدارهای مهمی بودند که سپری کردیم. حالا باید به مصاف بهترین تیم لیگ برتر در شرایط فعلی برویم. در چند هفته اخیر علی رغم ناتوانی در بسته نگه داشتن دروازه، بازی های خوبی ارائه کرده ایم. حالا باید تلاش کنیم تا نقاط مبهم و رازآلود کوفته را کشف کنیم تا بتوانیم با چلسی مقابله کنیم. یک هفته تا شروع آن دیدار زمان باقی مانده است و ما زمان داریم تا خودمان را برای آن مسابقه آماده کنیم. حالا بازیکنان ما خسته هستند اما ما باید با حداکثر آمادگی به مصاف حریف برویم.»

گریزمان: به رئال نه ولی شاید

به بارسلونا بروم

آنتوان گریزمان، ستاره اتلتیکو در مصاحبه جدید خود عنوان کرد که هرگز به رئال نخواهد رفت ولی احتمال پیوستنش به بارسا را رد نکرد.

آنتوان گریزمان، ستاره فرانسوی اتلتیکو مادرید، امسال یکی از چانس ها کسب توپ طلا است؛ هرچند که خودش چندان به این مساله امیدوار نیست.

او با وجود پیشنهاد خوبی که تابستان امسال داشت، تصمیم گرفت که به حضورش در اتلتیکو ادامه دهد. گریزمان بهترین گلزن روخی بلانکوس ها در دو فصل اخیر بوده است.

گریزمان در مورد احتمال جدایش از اتلتیکو گفت: «در اتلتیکو شرایط خوبی دارم. تیمی داریم که می تواند مدعی قهرمانی در همه جا باشد. واضح است که دوست دارم قهرمانی های بیشتری کسب کنم و شاید در تیمی دیگر، چانس رسیدن به اهداف بزرگ، بیشتر باشد؛ ولی نمی توانم به دلیل رقابت بین اتلتیکو و رئال، راهی رئال مادرید شوم. بین دو باشگاه توافقی نانوشته نیز برای عدم یارگیری از یکدیگر وجود دارد. بارسلونا؟ چنین توافقی وجود ندارد و شاید در آینده به این تیم بروم (با خنده). در مورد پاری سن ژرمن هم باید بگویم که فعلا قصد حضور در لیگ کشور را ندارم.»

توپ طلا: «رونالدو به دلیل افتخارات مهمی که سال ۲۰۱۶ کسب کرد، چانس اول است. مسی هم به درخشش خود ادامه داده و روند گولزنی خوبی در این فصل دارد. با وجود این که به توپ طلا فکر می کنم؛ ولی با وجود رونالدو و مسی، کسب آن بسیار دشوار است.»



لایزیگ؛ پدیده ترسناک بوندس لیگا

علی رغم رفتار تحقیرآمیز و توأم با حسادت هواداران دیگر تیم ها، حالا باید حضور لایزیگ در صدر جدول بوندس لیگا را پذیرفت.

پیگیری فصل جدید بوندس لیگا، بدون در نظر گرفتن حضور بحث برانگیز و جنجالی لایزیگ در بالاترین نقطه جدول بوندس لیگا غیرممکن است. تیمی از منطقه زاکسن در شرق آلمان که قبلا در سطوح پایین تر با نام مارک رانشت فعالیت می کرد، در سال ۲۰۰۹، توسط شرکت اتریشی تولید کننده نوشیدنی های انرژی زا ردبول خریداری شد و قبل از صعود به سطح اول فوتبال آلمان، خیلی زود نام، البسه و شرایط خود را تغییر داد و تبدیل به تیم فعلی شد.

اگرچه به علت قوانین فدراسیون فوتبال آلمان، امکان تلفظ کامل این تیم و استفاده از ترکیب «ردبول لایزیگ» ممنوع است. اما باید به صراحت عنوان کرد که آن ها بخشی از سرمایه گذاری این شرکت اتریشی هستند که شامل دیگر تیم هایی همانند رد بول سالزبورگ در غنا، برزیل و نیویورک است. همچنین این مجموعه در مسابقات اتومبیل رانی نیز با همین نام مشغول به فعالیت است. با این تفاسیر، شاید تبدیل شدن آن ها به مغرورترین تیم بوندس لیگا در شرایط فعلی کمی تعجب برانگیز باشد.

در سال ۲۰۱۱، دیتریش ماتشیتس مالک این تیم از اهداف خود مبنی بر صعود لایزیگ در بوندس لیگا طی ۳ تا ۵ سال آینده و سرمایه گذاری ۱۰۰ میلیون یورویی برای تسریع در این امر صحبت کرد.

دیتریش ماتشیتس گفت: «ما همچنین دورنمای لیگ قهرمانان و موفقیت در آن را نیز در ذهن خود تصور می کنیم. اما نیل به این هدف، تنها در شرایطی امکان پذیر است که ابتدا بتوان در لیگ داخلی آلمان در بین تیم های بالانشین قرار بگیرد.»

حالا لایزیگ، زودتر از حد تصور در مسیر این هدف قرار گرفته و هواداران تیم های رقیب نیز از هیچ کوششی در چارچوب قوانین اساسنامه فوتبال آلمان برای تحقیر این تیم فروگذار نیستند. در اولین دیدار خانگی لایزیگ که منجر به پیروزی شیرین ۰-۱ برابر بورسیا دورتموند در ورزشگاه ۴۳ هزار نفری ردبول آرهنا شد، هواداران دورتموند ترجیح دادند تا به خانه تیم میزبان سفر نکنند و به جای آن در شهر دورتموند، به حمایت از تیم زیر ۲۳ سال خود در دسته چهارم فوتبال آلمان بپردازند. در جریان دیدار اخیر آن ها به پای آرهنا برای جدال با لورکوزن، هواداران این تیم گلوهایی رنگی را به سمت اتوبوس حامل بازیکنان لایزیگ پرتاب کردند و در بازی برابر دینامو درسدن در جام حذفی آلمان در ماه آگوست، طرفداران این تیم دسته دوم آلمانی یک سر گاو به درون زمین پرتاب کردند که البته این اقدام از سوی کمیته انضباطی بی جواب نماند و دینامو درسدن ۵۴ هزار یورو جریمه شد.

با این تفاسیر، نگاه مجموعه لایزیگ هر روز وسیع تر می شود و حالا به نظر می رسد افکار بزرگتری مبنی بر موفقیت در رقابت های برون مرزی در اذهان این مجموعه سیر می کند.

البته باشگاه لایزیگ، حداقل در غرب آلمان بدون هوادار هم نیست و مردمانی که بعد از سقوط اشتونگارت لایزیگ در سال ۱۹۹۴، تشنه موفقیت و حضور در سطح اول فوتبال آلمان هستند، به سرعت این تیم را در آغوش گرفته و از آن استقبال کردند. در واقع، علی رغم نگاه تند منتقدان مبنی بر عدم وجود سنت و بنیه قوی برای این تیم و همچنین نشان تجاری شنیع و زنده عکس یک گاو، این تیم از جهاتی لایق تحسین نیز است.

مولر: بایرن دیگر راحت پیروز نمی شود

ستاره بایرن مونیخ با وجود پیروزی این تیم برابر بایرلورکوزن اصلا از عملکرد خود و هم تیمی هایش راضی نیست.

شاگردان کارلو آنچلوتی در هفته دوازدهم رقابت های بوندسلیگا در آلیانس آرهنا از بایرلورکوزن پذیرایی کردند که این دیدار در نهایت با پیروزی دو بر یک باواریا به پایان رسید.

با وجود آن که بایرن مونیخ در این دیدار توانست به پیروزی برسد اما توماس مولر به نظر می رسد که از سبک باز تیمش راضی نیست.

او بعد از بازی گفت: «در چند فصل اخیر به راحتی می توانستیم برابر حریفان به پیروزی برسیم اما حالا برای پیروز شدن بسیار اذیت می شویم و باید نهایت تلاش خود را به کار بگیریم. هیچ کدام از ما ۱۰۰ درصد از عملکرد خود راضی نیستیم. به خوبی می دانیم که باید از این شرایط خارج شویم. خوشحالم که حداقل توانستیم در این دیدار به پیروزی برسیم.»

توماس مولر در فصل جاری عملکرد ناامید کننده ای از خود نشان داده است. او در بوندسلیگا، لیگ قهرمانان اروپا و جام حذفی آلمان نتوانسته برای بایرن گولزنی کند.

په په: می خواهم در رئال

بازنشسته شوم

په په، مدافع رئال مادرید ابراز امیدواری کرد که بتواند فوتبالتش را در این تیم به پایان برساند.

مدافع ۳۳ ساله فصلی فوق العاده را سپری کرد که در آن موفق شد قهرمان چمپیونزلیگ و یورو ۲۰۱۶ شود و او که قراردادش در پایان فصل به پایان می رسد مدعی شد که می خواهد فوتبالتش را در رئال ادامه و به پایان برساند.

او گفت: «برنامه ام این است که در رئال فوتبالم را به پایان برسانم. من ۳۳ ساله هستم و فصل گذشته یکی از بهترین فصل های من بود. هر طور که باشگاه بخواهد من عمل خواهم کرد. تمدید قراردادم به رئال بستگی دارد. من تا ثانیه آخر قراردادم منتظر رئال خواهم بود.»

په په در این فصل ۹ بازی برای رئال انجام داده و ۱ گول به ثمر رسانده است.

زیدان با یک رکورد جدید

به بارسلونا رسید

با پیروزی شنبه شب رئال مقابل خیخون، حالا جمع امتیازات این تیم با زین الدین زیدان در ۳۳ دیداری که او در لالیگا روی نیمکت کهنشانی ها نشسته به ۸۶ رسید.

هیچ مربی در تاریخ لالیگا پس از ۳۳ بازی اول خود نتوانسته ۸۶ امتیاز کسب کند. حتی گواردیولا در اولین فصل خود با بارسا (۲۰۰۹-۲۰۰۸) و مورینیو با رئال در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۰.

زیدان ۴ جنوری ۲۰۱۶ به عنوان سرمربی رئال منصوب شد و وعده داد که اوضاع رئال با او بهتر خواهد شد که این گونه نیز شد. رئال با زیزو از آن تاریخ توانسته در لالیگا ۲۷ برد، ۵ تساوی و یک شکست کسب کند. تنها باخت کهنشانی ها با زیدان در لالیگا مقابل اتلتیکو بوده است. زیدان شنبه شب این هفته توانست رکورد میگل مورینوز، مربی سابق رئال را نیز بشکند. مورینوز توانسته بود در ۳۳ بازی اول خود با رئال ۸۴ امتیاز کسب کند (۲۷ برد، ۳ تساوی و ۳ شکست).

گواردیولا و مورینیو پس از ۳۳ بازی اول خود با بارسا و رئال به ترتیب ۸۴ و ۸۰ امتیاز کسب کرده بودند.

بارسا با گواردیولا در فصل ۲۰۰۹-۲۰۰۸ پس از ۳۳ بازی، ۲۶ برد، ۴ تساوی و سه شکست کسب کرده بود و رئال با مورینیو در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۰ در ۳۳ بازی اول خود، ۲۵ برد، ۵ تساوی و ۳ شکست.

زیزو با این کارنامه درخشانش تیمش را برای مصاف حساس هفته آینده مقابل بارسلونا آماده خواهد کرد





Request for Information (RFI)

MTN Afghanistan invites potential suppliers to submit their relevant documents for MTN Afghanistan FLEET Services Project.

Suppliers will be required to provide information with respect to:

1. Company Profile (Company Background, Staff Availability, Office location, Tangible Assets).
2. Valid License from Government of Afghanistan (Relevant License duration should be not less than three years).
3. At least 3 references of reputable and well known organizations along with their names and contact numbers where the company has provided or providing same services to.

Only qualified suppliers who meet above criteria will be shortlisted for further Registration process in MTN Afghanistan E-Sourcing Platform where RFP will be provided to only shortlisted suppliers.

4. Experience in relevant field minimum 3 years and (Relevant Experience, Client References, Projects Values and Tuners).
5. Financial Stability (Bank Statement for last Six Months, Tax Clearance Report and Audit Report(All bank accounts should be in the name of the company stamped by Authorized Bank).
6. Management Plan for Fleet Service.

Security Deposit at the time of signing the contract	Announcement Start Date	Last date & time for submission of Profiles
MTN Afghanistan reserves the right to request for special insurance from contractors.	From 26th Nov - 2016 till 1st Dec - 2016	16:00 hrs on 4th -Dec-2016

The completed tender documents are to be submitted in SEALED envelopes addressed to Procurement Manager, MTN Afghanistan in tender box located at MTN Afghanistan Head office reception.

MTN Afghanistan reserves the right to reject/cancel/postpone any or all tenders without assigning any reason and is not bound to accept the lowest tender.

MTN Afghanistan
Park Plaza opposite to Shar-e- Naw Park, Kabul.
Email: zabihullah.abbasi@mtn.com



everywhere you go

د ساتنې او څارنې پروژې (MCG) پردوام ټينگار

د کليو د بيارغونې او پراختيا وزارت د هيواد د کليو د هراړخيزې پراختيا او د کليوالو د ژوند د ښه والي او هوساينې او د ټولنيزې او اقتصادي ودې لپاره تل ارزښتناکه گامونه پورته کړي چې دې هڅو زموږ د هيواد د کليوالو په ژوند کې په بې ساری توگه مثبت بدلونونه رامنځته کړيدي.

د ملي پيوستون پروگرام، ددې ادعا يوه ښکاره بيلگه ده چې د يوې لسيزې راهيسې توانيدلی د پراختيا، بيارغونې، د بيوزلی د کموالي، ټولنيزې ودې او اقتصادي بنسټ د غښتلي کيدو په بيلابيلو برخو کې يې د ټول هيواد په کليو او بانډو کې پراخ فعاليتونه ترسره کړي.

اوس چې د ملي پيوستون پروگرام د هيواد په کليو او بانډو کې (حتا دافغانستان په لرې پرتو سيمو کې) د بيا جوړونې او پراختيا د يوې لسيزې نه د زياتې مودې په تيروولو او دزرگونو روښانه لاسته راوړنو په لرلو سره د پای خواته روان دی، د کليو پراختيايي شوراگانې به يې د يوه واکمن وگړنيزو تجربه لرونکي بنسټ په توگه د تصميم نيونې، د لومړيتوبونو د ټاکلو او د ښې سيمه ايزې واکمنې د يوې روښانه بيلگې په توگه دوام ومومي.

کومې زرگونې ټولگټې پروژې چې د کليو د بيارغونې او پراختيا وزارت د ملي پيوستون پروگرام پدې موده کې د کليوالو په ژوند کې د مثبتو بدلونونو لپاره رامنځته کړيدي او ميليونه افغانۍ لگښت پرې راغلی دی، دوام دارې ساتنې او څارنې ته اړتيا لري او بايد ورته پام وپارول شي. سره لدې چې کليوالوکلنه نا کله د خپلومالي وړتياوو پر بنسټ په دې برخه کې اقدام کړی، خو دغه هڅې به په يوازې توگه د خلکو له خوا کافي نه وي. بناً، پروسر کال د افغانستان داسلامي جمهوري دولت له خوا د سولې لپاره د کارموندنې ملي پروگرام اعلام شو چې يوه مهمه برخه يې، يعنې د ملي پيوستون پروگرام د ساتنې او څارنې (MCG) پروژه د کليو د بيارغونې او پراختيا وزارت په وسيله د ټول هيواد په کليو او بانډو کې تطبيقېږي. ددې اقدام له مخې د پروژو پرساتنې او څارنې سربيره، د هيواد بيوزلو خلکو ته د يوه مهم هدف په توگه د لاند مهاله کار او تنخوا د اخستلو زمينه برابريږي. پدې موده کې ددې پروژې دوه پړاوونه په بيلابيلو ولايتونو کې د اقليم، امنيتي وضعيت او د بیکاری کچې په نظر کې نيولوسره عملي شوي او دريم پړاو يې هم د تطبيق په حال کې دی.

د يادونې وړ ده چې دا پروژه د هيواد د کليوالو لپاره ډيره اغيزمنه ده ځکه له يوې خوا يې پراختيايي پروژې پايښت مومي او له بلې خوا هم ددې پروژو د ساتنې، څارنې اورغونې په بهير کې، يوه اندازه پيسې د اجورې په توگه لاسته را وړي. په داسې وضعيت کې چې اوس زموږ بيوزله خلک په خاصه توگه کليوال، له بيوزلی سره لاس او گريوان دي د ساتنې، څارنې او کارموندنې پروژې تطبيق، هغوی ته ډيرزيات گټور، او اقتصادي ارزښت لرونکي دي او د اقتصاد په غښتلي کولو کې يې د ستاينې وړ نقش لري. ددې پروژې اغيزمنتوب او اقتصادي اهميت ته په پام لرني سره، کليوال ددې پروژې د اوږد مهاله دوام غوښتونکي دي. د کومې خبرې پر بنسټ چې مخامخ له کليوالو سره شويدي، هغوی



لدې پروژو نه خپله خوښي ښودلې ده او هيله من دي چې په راتلونکي کې هم دوام ومومي. د فارياب ولايت د اندخوی ولسوالۍ يو تن اوسيدونکی (محمد عالم) چې (۴۲) کلن دی او د سړک پروژې په کار بوخت و، داسې وويل:

«لس ورځې کيږي چې په کارگمارل شوی يم. مخکې بیکاره وم او د کارموندلو لپاره دولسوالۍ بازار ته تللم خو يوازې په اوونۍ کې دوه ورځې مې کار موند، نورې ورځې بیکاره پاتې کيدم. اوس ډير خوښ يم چې هم د خپل کلي سړک جوړوم او هم پدې پروژه کې د کار کولوله لارې د خپلې کورنۍ لپاره لومړني ټوکی برابروم، ځکه زما دکورنۍ د يوې مياشتې نفقه د همدې کار له لارې ټامينېږي. زموږهيله دا ده چې د ساتنې او څارنې پروژه په راتلونکي کې هم دوام ومومي، څوخلک وکولی شي په خپل جوړونکي کار سره که ديوې لنډې مودې لپاره هم وې، له بیکارې نه خلاصی ومومي او دخپلې کورنۍ نفقه لاسته راوړي.»

دکترولايت د شينگل ولسوالۍ د نوي برخاگی کلي يو تن اوسيدونکی بهرام خان چې (۵۷) کلن دی داسې وويل: «زموږ کورنۍ لس تنه ده او يوه موده مې خپلې کورنۍ ته د حلال رزق د لاسته راوړلو لپاره هڅې کولې. دکار په لټه کې وم، خو کار راته نه پيدا کيدو، حتی اکثره وخت مې د موټر کرایه هم نه درلوده او لري واټونه مې پلي وهل، خو اوس د کليو د بيارغونې او پراختيا وزارت د ملي پيوستون پروگرام د ساتنې او څارنې پروژې له لارې مونږ ته په کلي کې د کارزمينه برابره شوې ده. زه توانيدلی يم د کار د تنخواه له لارې د خپل ژوند ستونزې ترزياته حده حل کړم. زموږ غوښتنه دا ده چې د خلکو د بيوزلی د کمولو لپاره دا پروژه په راتلونکي کې هم دوام ومومي، څومونږ وکولی شو د تنخواه په پيسو يوه مړۍ حاله ډوډې خپلو ماشومانو ته برابره کړو.»